

سال پانزدهم
شماره ۱۸
سمشنبه
۱۸ جوزای ۱۴۰۰
۸ جون ۲۰۲۱
قیمت: ۲۰ افغانی

صبح ۸

روایت دیروز آئینه امروز نوید فردا



آن گونه که یاری می کنی
یاری می شوی



حذف بسته های «سه و چهار»
از سیستم الکترونیک؛

کمیسیون اصلاحات اداری عقب گرد را کلید زده است؟



کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی حدود دو هفته پیش بسته های «سه و چهار» خدمات ملکی را از سیستم امتحان الکترونیکی حذف کرد. این تصمیم اما با موجی از واکنش های شهروندان روبه رو شده است. شهروندان کشور این تصمیم کمیسیون را عقب گرد توصیف کرده و گفته اند که با حذف این بسته ها از سیستم امتحان الکترونیکی، زمینه دخالت زورمندان در روند استخدام باز خواهد شد و شفافیت تأمین نخواهد شد. آنان از کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی خواسته اند که در تصمیمش تجدید نظر کند و امتحان این بسته ها را خود کمیسیون به شکل کامپیوتری بگیرد. در همین حال، کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی می گوید که تنها بسته های سه و چهار نوع مسلکی را از سیستم حذف کرده است و امتحان بسته های حمایتی همچنان الکترونیکی و کامپیوتری گرفته می شود.



از سرگیری مذاکرات انتظار آراده طالبان را می کشد

۳



مور ستاسی جامپ په وړ بیه، لوړ کیفیت
او معیاري خدمتونو سره تیاروو.

دريشي ✓ بونونه ✓ یخن قاق ✓ افغاني جامپ ✓ یونیفورم

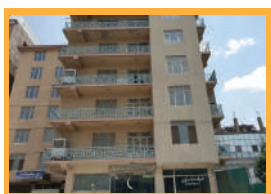


استانبول پوشاک تولیدی شرکت

www.pim.af

0731 56 4444

Scan Me



تعمیر فروشی

یک تعمیر تجارتي به مساحت {۳۱۶،۲۵ مترمربع} واقع مارکیت میوه {ناحیه ۴، کابل - افغانستان} به قیمت مناسب به فروش رسانیده می شود. ضرورت مندان و اشخاصی که خواهان خریداری آن باشد به شماره تلفون های ذیل تماس گرفته معلومات اخذ نمایند.

+93 (0)797888154 / +93 (0)798888802

پرواز های کابل استانبول و برعکس آن
هر هفته به روز های جمعه

قیمت تکت رفت
190 USD

flyariana.com | Ariana Afghan Airlines | flyariana.official | +93 (0) 790 07 1333 | 1333

آریانا افغان هوایی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES





سفر خلیل زاد به منطقه در آستانه شدت گرفتن حملات طالبان

زلمی خلیل زاد دور تازه سفرهایش را به منطقه آغاز کرده است. گفته می‌شود که در این سفر، هیأتی متشکل از شورای امنیت ملی، وزارت دفاع و اداره توسعه بین‌المللی امریکا نیز او را همراهی می‌کند. این سفر در حالی انجام می‌شود که تمام امیدها برای صلح -هم در میان مردم و هم در نزد دولت افغانستان- قطع شده است. طالبان جنگ را شدت بخشیده‌اند و ارتش افغانستان در حال دفاع از ولایت‌ها و ولسوالی‌های کشور است.

سفر خلیل زاد در شرایطی انجام می‌شود که در جریان یک ماه اخیر طالبان به قول خودشان ۱۴ ولسوالی را از تصرف نیروهای دولتی خارج کرده‌اند. در جریان دو ماه گذشته، طالبان برای گرفتن شماری از ولایت‌ها نیز تلاش‌هایی را انجام دادند. میدان‌های نبرد در ولایت‌های قندهار، هلمند، زابل، غزنی، بغلان، لغمان، میدان وردک و... در ماه‌های اخیر گرم بوده است.

براساس گزارش‌ها در جریان یک ماه اخیر بیش از ۵ هزار تن از طرف‌های درگیر و مردم عادی در اثر جنگ کشته شده‌اند. جنگ در حالی شدت یافته است که نشست استانبول به علت عدم اشتراک طالبان برگزار نشد، نشست دوحه عملاً تعطیل بود و بیش تر اعضای هیأت مذاکره‌کننده دولت در کابل به سر می‌بردند. در سطح منطقه، دیپلماسی صلح افغانستان در بعد تلاش برای جلب همکاری‌های پاکستان با شکست روبه‌رو شده است. در دو هفته اخیر، ما شاهد سخنان غیرمسئولانه مشاور امنیت ملی افغانستان در مورد پاکستان بوده‌ایم. پاکستانی‌ها رسماً روابطشان را با اداره تحت رهبری حمدالله محب قطع کردند و وزیر خارجه آن کشور گفت که سخنان مشاور شورای امنیت ملی افغانستان احساسات آن‌ها را جریحه‌دار کرده است.

این جدل‌ها با مهم‌ترین کشور منطقه که می‌تواند برای حاضر کردن طالبان به میز مذاکره مفید باشد، نشان می‌دهد که تلاش‌های افغانستان در این پیوند تاکنون بی‌حاصل بوده است. در داخل افغانستان نیز آخرین تلاش‌ها برای ایجاد اجماع در حوزه جمهوری‌ت با تشکیل نشدن شورای عالی دولت به ناکامی منجر شده است. با این حساب، طالبان جنگ را ترجیح داده‌اند. پاکستانی‌ها برای فشار آوردن بر طالبان، همکاری نمی‌کنند. در داخل نیز اجماع سیاسی به وجود نیامده است و حکومت حاضر نیست، قدرت مطلقه خود را با گروهی یا کسی تقسیم کند. در چنین شرایطی که بن‌بست و تنش‌ها در مسیر مذاکرات صلح در اوج است، آیا سفر خلیل زاد می‌تواند روی این بن‌بست اثر بگذارد؟ پس از آن که ایالات متحده امریکا تاریخ خروجش را به تأخیر انداخت، طالبان اعلام کردند که آن‌ها برای هرکاری دست باز دارند. خروج بی‌حساب و کتاب و تأخیر در زمان آن، طالبان را هم تشجیع کرده و هم این گروه برای جنگ‌طلبی‌های خود بهانه خوبی به دست آورده است.

از همان آغاز مذاکرات دوحه، طالبان همواره سخن از کاهش خشونت‌ها و تعهد به فیصله‌هایشان با امریکایی‌ها زده‌اند. با وجودی که ۵ هزار تن از اسیران‌شان آزاد شدند؛ اما در حملات این گروه کاهش نیامده است. هم‌زمان با گفت‌وگوها در میز مذاکره، میدان‌های جنگ نیز گرم نگه داشته شده است. طالبان ادعا می‌کنند که حملات‌شان به شهرها را کاهش داده‌اند. این در حالی است که شورای امنیت سازمان ملل متحد، در هشاد درصد حملات بر اهداف ملکی، طالبان را متهم می‌داند.

هرچند طالبان اتهامات بر خود را همواره رد کرده‌اند؛ اما چیزی که روشن است، این است که این گروه هرگز با نیت صلح بر میز مذاکرات حاضر نشده است. طالبان هرگز به خواست آتش‌بس تن نداده‌اند و طوری که به نظر می‌رسد می‌خواهند شانس خود را در میدان‌های جنگ برای گسترش جغرافیا و وارد کردن فشار بیشتر بر دولت، آزمایش کنند.

در چنین شرایطی، بعید به نظر می‌رسد که تلاش‌های خلیل زاد موثر واقع شود. او پیش از این نیز بار بار به منطقه سفر کرده و با رهبران کشورهای مهم منطقه دیدار داشته و تعهد آن‌ها را برای کمک به روند صلح گرفته؛ اما در عمل هیچ چیزی در این روند تغییر نکرده است. اکنون خشونت‌ها بیش تر شده است و این نشان می‌دهد که تلاش‌های خلیل زاد تا این‌جای کار نتیجه ملموسی نداشته است.

دیده شود که این بار خلیل زاد برای منطقه و طرف‌های درگیر حامل چه پیامی است و آیا این سفر او می‌تواند طالبان را از میدان‌های جنگ به میز مذاکرات متمایل سازد یا نه؟

۷۰۰ هزار دوز واکسین کرونا از چین تا سه روز دیگر به کابل می‌رسد



۸صبح، کابل: سفیر افغانستان در چین اعلام کرده است که ۷۰۰ هزار دوز واکسین کرونا از کمک‌های چین را تسلیم شده است و تا سه روز دیگر به کابل می‌رسد.

جاوید قایم، سفیر افغانستان در چین، روز دوشنبه، هفدهم جوزا، در صفحه فیس‌بوکش نوشته است که واکسین‌های کرونا که از سوی چین کمک شده، توسط (Beijing Institute of Biological Products) تهیه و به سفارت افغانستان سپرده شده است.

این محموله در میدان هوایی بیجنگ به سفیر افغانستان سپرده شده است.

سفیر افغانستان افزوده است که این محموله به شرکت بارچالانی سپرده شده است و تا دهم ماه جون به کابل می‌رسد.

این مقدار واکسین از سوی دولت چین به افغانستان کمک شده است.

افغانستان پیش از این دو محموله واکسین کرونا را

از هند و ائتلاف جهانی واکسین دریافت کرده بود. روند واکسیناسیون کرونا در پنج حوت سال گذشته در کشور آغاز شد و حدود ۶۰۰ هزار تن تاکنون واکسین شده‌اند.

در حال حاضر به دلیل نبود مقدار کافی واکسین این روند در حالی که موج سوم کرونا به سرعت در حال افزایش است، متوقف شده است.

محمد اشرف غنی، رئیس جمهور، در پیامی به مردم وعده داده بود که افزون بر کمک ۷۰۰ هزار دوز واکسین کرونا از سوی چین، با سایر کشورها نیز گفت‌وگوها را برای دریافت واکسین کرونا آغاز می‌کند.

او هم‌چنان وعده داده است که از بودجه دولت نیز مقدار کافی واکسین را تهیه خواهد کرد.

در شبانه‌روز گذشته بالاترین رقم مرگ‌ومیر ناشی از ابتلا به ویروس کرونا در کشور ثبت شده است. ۵۶ نفر از بیماران کرونایی جان باخته و یک هزار و ۵۸۲ بیمار جدید شناسایی شده‌اند.

اعتراض راننده‌گان و شرکتهای ترانسپورتي شاهراه کابل - هرات به اخذی‌ها

پول می‌گیرند. احمدالله ابدالی مدعی است که انسجام ترانسپورت زمینی ۵۰۰ تا یک هزار افغانی پول می‌گیرد.

به گفته این اقدام غیرقانونی است و باید شورای انسجام ترانسپورت زمینی لغو شود.

شرکتهای ترانسپورتي و راننده‌گان هشدار دادند که اگر به خواست آن‌ها رسیده‌گی نشود، دست به اعتصاب کاری می‌زنند.

شورای انسجام ترانسپورت زمینی که در وزارت عدلیه ثبت است، به صورت رسمی در این مورد چیزی نگفته است.

راننده‌گان و شرکتهای ترانسپورتي پوسته‌های پولیس را نیز به اخذی متهم می‌کنند.

شماری از راننده‌گان، طالبان را نیز به اخذی در مسیر شاهراه کابل - هرات متهم کردند.

این در حالی است که حدود سه ماه پیش نیز شرکتهای ترانسپورتي در اعتراض به اخذی در مسیر شاهراه‌ها دست به اعتراض زده بودند. این اعتراضات برای ۲۰ روز ادامه یافت.

اعتصاب کاری شرکتهای ترانسپورتي و راننده‌گان سبب افزایش قیمت‌های مواد اولیه و خوراکی در بازارها شده است.



۸صبح، کابل: شماری از شرکتهای ترانسپورتي و راننده‌گان مسیر شاهراه کابل - هرات روز دوشنبه، هفدهم جوزا، نسبت به اخذی در این مسیر اعتراض کردند.

معتراضان می‌گویند که زورمندان در ولایت‌های مسیر شاهراه کابل - هرات از راننده‌گان اخذی می‌کنند و خودسرانه پول می‌گیرند.

احمدالله ابدالی، مسوول شرکت ترانسپورتي احمدشاه ابدالی، به روزنامه ۸صبح گفت که با وجود احکام ریاست جمهوری و وزارت ترانسپورت، اخذی از راننده‌گان هم‌چنان جریان دارد.

او در صحبت با روزنامه ۸صبح از شورای «انسجام ترانسپورت زمینی» یاد کرد که از راننده‌گان شرکتهای ترانسپورتي در شاهراه کابل - هرات

امنیت ملی یک موتر حامل ۱.۳ هزار کیلوگرام مواد انفجاری را در ننگرهار ضبط کرد

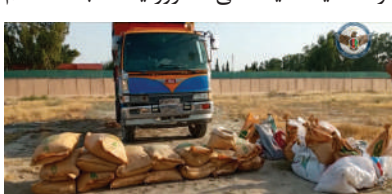
جوزا نشر شد، آمده است که در این موتر نوع هینو، یک هزار و ۳۰۰ کیلوگرام مواد انفجاری جاسازی شده بود.

امنیت ملی افزوده است که این موتر، مواد انفجاری را برای «تحرکات تروریستی» گروه طالبان از ولایت میدان وردک به ولایت ننگرهار انتقال می‌داد.

به گفته ریاست عمومی امنیت ملی، در صورت انفجار این موتر مملو از مواد انفجاری به گونه تخمینی امکان تخریب مکان‌های عمومی تا شعاع یک هزار و ۳۰۰ متری وجود داشت.

۸صبح، کابل: ریاست عمومی امنیت ملی اعلام کرده است که در نتیجه عملیات ویژه نیروهای این ریاست یک عراده موتر مملو از مواد انفجاری «مونوم نایتريت» را در ولایت ننگرهار کشف و ضبط کرده‌اند.

در اعلامیه امنیت ملی که روز یکشنبه، هفدهم



روند تطبیق واکسین کرونا در کشور تا اطلاع بعدی متوقف شد

۸صبح، کابل: وزارت صحت عامه اعلام کرد که روند تطبیق دوزهای اول و دوم واکسین کرونا در کشور متوقف شده است.

دلیل این اقدام توضیح داده نشده است، اما نبود واکسین کرونا می‌تواند از دلایل این تصمیم باشد.

وزارت صحت عامه گفته است، کسانی که دوز اول واکسین استرازنیکا (کووی‌شیلد) را گرفته‌اند، می‌توانند حداً تا فاصله ۱۶ هفته دوز دوم واکسین را بگیرند.

وزارت صحت عامه افزوده است که فاصله بین دوز اول و دوم سبب از بین رفتن معافیت نمی‌شود.

این وزارت تعهد کرده است که به زودترین فرصت واکسین کرونا را فراهم کند و این روند را از سر بگیرد.

سفارت افغانستان در چین اعلام کرده است که قرار ۷۰۰ هزار دوز واکسین کرونا از چین تا سه روز دیگر به کشور وارد شود.

روند واکسیناسیون کرونا در پنج حوت آغاز شد و تاکنون حدود ۶۰۰ هزار تن واکسین گرفته‌اند.



تلفات حمله موتر بمب

طالبان به فرماندهی پولیس ولسوالی بلخ به نه کشته و ۵۴ زخمی افزایش یافت



۸صبح، بلخ: تلفات حمله موتر بمب گذاری شده طالبان به فرماندهی پولیس ولسوالی بلخ ولایت بلخ به نه کشته و ۵۴ زخمی افزایش یافته است.

این حمله چاشت روز یکشنبه، شانزدهم جوزا، با استفاده از یک تانک پر از مواد انفجاری در ورودی فرماندهی پولیس ولسوالی بلخ اجرا شد.

یونس استانکزی، ولسوال بلخ، به روزنامه ۸صبح، گفت که تاکنون نه کشته و ۵۴ زخمی در این حمله تثبیت شده است. یکی از زخمیان این حمله فرمانده پولیس ولسوالی بلخ است. قربانیان شامل نظامی و غیرنظامی می‌شوند.

گفته شده است که روند بیرون کشیدن اجساد از زیر آوار ساختمان فرماندهی پولیس جریان دارد و به همین علت ممکن است در رقم تلفات تغییرات بیاید.

روز گذشته شمار تلفات دو کشته و ۱۸ زخمی اعلام شده بود.

در اثر این حمله ساختمان فرماندهی پولیس و ولسوالی تخریب شده بود. این انفجار بسیار نیرومند بود و خسارات هنگفت برجای گذاشته است.

طالبان مسوولیت حمله به فرماندهی پولیس ولسوالی بلخ را بر عهده گرفتند و مدعی شدند که شمار زیادی از نیروهای دولتی در آن کشته شده‌اند.



از سرگیری مذاکرات انتظار اراده طالبان را می کشد



حبيب پوهن

با گذشت یک هفته از سفر هیأت مذاکره‌کننده دولت به دوحه، مذاکرات میان طرف‌ها هنوز آغاز نشده است. وزارت دولت در امور صلح می‌گوید که هماهنگی برای آغاز این مذاکرات کلید خورده است، اما هنوز زمان دقیق آن روشن نیست. یک منبع در شورای مصالحه تصریح می‌کند که با وجود تلاش‌ها برای آغاز مذاکرات، طالبان هنوز آماده‌گی‌شان برای ازسرگیری این روند را اعلام نکرده‌اند. در همین حال منابع دیگر در دوحه تأکید دارند که مذاکرات به زودی آغاز می‌شود و دیدارهای اخیر دو طرف با هیأت‌های بین‌المللی در واقع بخشی از تلاش‌ها برای ازسرگیری این روند است. هم‌چنان یک منبع در هیأت مذاکره‌کننده دولت به ۸ صبح گفت که هیأت دولت به محض حضور در دوحه خواستار آغاز مذاکرات شد، اما طالبان گفته‌اند که هیأت دولت هنوز تکمیل نیست و این کار احتمال دارد مذاکرات را بار دیگر متوقف سازد. او از تمایل طالبان به ازسرگیری مذاکرات سخن گفت، اما تصریح کرد که نیاز است این تمایلات در عمل ثابت شود. پیش‌تر جامعه جهانی بر آغاز هرچه زودتر مذاکرات تأکید کرده است. در حال حاضر شش عضو هیأت مذاکره‌کننده دولت و تیم فنی آن در دوحه حضور دارند و قرار است دیگر اعضای این هیأت نیز در جریان روزهای آینده رهسپار دوحه شوند.

شماره از اعضای هیأت مذاکره‌کننده دولت در یازدهم جوزا وارد دوحه شدند. هدف از سفر هیأت، ازسرگیری مذاکرات صلح بین‌الافغانی خوانده شد. اکنون که یک هفته از این سفر می‌گذرد، مذاکرات میان هیأت‌های مذاکره‌کننده دولت و طالبان آغاز نشده است. وزارت دولت در امور صلح می‌گوید که هماهنگی برای ازسرگیری مذاکرات ادامه دارد تا بدین ترتیب مذاکرات از جایی که متوقف شده بود، آغاز شود. ناجیه انوری، سخنگوی این وزارت، روز دوشنبه، هفدهم حمل، به روزنامه ۸ صبح گفت که هرچند دو طرف در مرحله هماهنگی قرار دارند، اما زمان دقیق آغاز مذاکرات مشخص نشده است. او تأیید کرد که محمدمعصوم استانکزی، رییس هیأت مذاکره‌کننده دولت، نیز به دوحه رفته است. آقای استانکزی یک‌شنبه‌شب به هیأت مذاکره‌کننده دولت پیوست.

در همین حال یک منبع در شورای عالی مصالحه ملی گفت که هرچند تلاش‌ها برای آغاز مذاکرات ادامه دارد، اما طالبان هنوز برای شروع آن آماده‌گی نگرفته‌اند. او افزود که در کنار این مورد، بخشی از اعضای هیأت نیز در کابل حضور دارند، اما این افراد به زودی به دوحه می‌روند. براساس تصاویری که از دیدارهای هیأت مذاکره‌کننده دولت با هیأت‌های برخی از سازمان‌ها نشر می‌شود، تنها شمار معدودی از اعضای هیأت ۲۱ نفری دولت در دوحه حضور دارند. افزون بر معصوم استانکزی، تاکنون عنایت‌الله بلیغ، عطالله لودین، فاطمه گیلانی، محمدامین احمدی

و فوزیه کوفی به دوحه رفته‌اند. با این حال منبع تصریح کرد که گروه تماس هیأت دولت تکمیل است و طرف‌ها می‌توانند دست‌کم در جریان گفت‌وگوها، موارد اساسی را برای آغاز مذاکرات ردیف کنند. دو منبع دیگر نیز در دوحه در گفت‌وگو با روزنامه ۸ صبح از مسایل مربوط به آغاز مذاکرات سخن گفتند. یک منبع گفت که هیأت مذاکره‌کننده دولت برای گفت‌وگو آماده است و مذاکرات نیز «بسیار زود» آغاز می‌شود. به گفته او، اعضای هیأت‌های دو طرف در جریان سه روز گذشته مصروف دیدار با هیأت‌های مختلف بین‌المللی بوده‌اند و این کار بخشی از آماده‌گی‌ها برای آغاز مذاکرات است.

منبع دومی در هیأت مذاکره‌کننده دولت نیز تصریح کرد که هیأت مذاکره‌کننده دولت به محض حضور در دوحه، خواهان آغاز مذاکرات بود. به باور منبع، تکمیل هیأت دولت خیلی جدی نیست؛ زیرا هیأت تماس تکمیل است و دو طرف توانایی تصمیم‌گیری را دارند. با این حال به گفته او، طالبان استدلال می‌کنند که هیأت دولت تکمیل نیست و احتمال می‌رود که حضورنیافتن کامل اعضای هیأت در برخی از موارد سبب توقف مذاکرات شود. این منبع تصریح کرد که با توجه به دیدارهای طالبان، این گروه به مذاکرات تمایش نشان می‌دهد، اما نیاز است این موضوع در عمل روشن شود. او گفت که هیأت‌های ملل متحد، دفتر هیأت معاونت سازمان ملل متحد (یوناما) و قطر بر آغاز «عاجل» مذاکرات تأکید دارند و به نظر می‌رسد که یک هیأت از ترکیه نیز با طالبان دیدار

کرده است. گفتنی است که دفتر سیاسی طالبان در قطر تا پایان روز دوشنبه، هفدهم جوزا، در این موارد موقف‌گیری نکردند. تاکنون گروه‌های تماس دو طرف با هم دیدار نداشته‌اند و توقع دارند که این کار در جریان روزهای آینده صورت گیرد. رییس و برخی از اعضای هیأت مذاکره‌کننده دولت روز دوشنبه، هفدهم جوزا، با دیپورا لاینز، نماینده خاص سرمنشی سازمان ملل متحد برای افغانستان و هیأت این سازمان دیدار کردند. در این دیدار در مورد «تسریع روند مذاکرات جاری صلح و دستیابی و به پیش‌رفت‌های ملموس» بحث و گفت‌وگو شده است.

هم‌زمان با تسریع تلاش‌ها برای ازسرگیری مذاکرات صلح، زلمی خلیل‌زاد، فرستاده ویژه وزارت امور خارجه امریکا برای صلح افغانستان، نیز دور تازه‌ای از سفرهایش را به هدف فصل جدید همکاری‌ها و روابط با افغانستان آغاز کرده است. این همکاری، حمایت از روند صلح و تلاش برای شکل‌گیری اجماع منطقه‌ای و بین‌المللی در این مورد را در بر می‌گیرد. باید گفت که مذاکرات صلح بین‌الافغانی به محض آغاز بحث روی تهیه اجندا از سوی طالبان متوقف شد؛ زیرا اعضای هیأت این گروه خواستار رهایی هفت هزار زندانی طالب و خروج سران این گروه از فهرست سیاه سازمان ملل متحد بودند. با این حال پیش‌تر منابع گفتند که طالبان دست‌کم تا حال این موارد را برای ازسرگیری مذاکرات به عنوان پیش‌شرط مطرح نکرده‌اند.

حذف بست‌ها، «سه و چهار» از سیستم الکترونیک؛

کمیسیون اصلاحات اداری عقب‌گرد را کلید زده است؟



عبدالحميد حسيني

که تنها بست‌های سه و چهار مسلکی غیرعایداتی در اختیار ادارات قرار داده شده و ادارات دولتی مختار اند امتحان آن را الکترونیکی و یا هم کاغذی بگیرند. او اما تأکید کرد که شفافیت باید در آن تضمین شود و ادارات مکلفاند که تمامی معیارها را برای تأمین شفافیت در نظر بگیرند.

در طرزالعمل تعیینات که از سوی این کمیسیون به نشر رسیده، گفته شده است که امتحان بست‌های سوم و چهارم مسلکی وزارت‌خانه‌ها به شکل تحریری و مصاحبه در اداره مربوطه گرفته می‌شود. در بند دوم این طرزالعمل تصریح شده است که بست‌های حمایتی سوم و چهارم مندرج جزء ده ماده سوم قانون کارکنان خدمات ملکی و بست‌های مرتبط به جمع‌آوری عواید و تنظیم امور مالی وزارت‌خانه‌ها و ادارات دولتی با استفاده از تسهیلات سیستم استخدام الکترونیک در مراکز امتحانات الکترونیکی کمیسیون اصلاحات اداری و خدمات ملکی گرفته می‌شود.

گفتنی است که بست‌های سه و چهار دو نوع است؛ نوع حمایتی و نوع مسلکی. براساس معلومات کمیسیون اصلاحات اداری، بست‌های حمایتی شامل بست‌های دفترداری، مالی، اداری، تدارکات، مدیریت منابع بشری، تفتیش داخلی، نظارت و ارزیابی، پالیسی و پلان، اطلاعات و ارتباط عامه، جندر و حقوق بشر، خدمات (تکنولوژی معلوماتی) ترانسپورت، حفظ و مراقبت می‌شود. بست‌های مسلکی نیز شامل بست‌های انجنیری، زراعت، طب، معادن و سایر بست‌های مشابه می‌شود.

این در حالی است که روند استخدام کارمندان ادارات دولتی از موضوعات پرچالش در کشور بوده است. پیش از این، شهروندان کشور از آن‌جایی که در روند استخدام شفافیت وجود نداشت، همواره اعتراض داشتند. این معضل با الکترونیکی‌سازی و کامپیوتری شدن روند امتحانات تا جایی حل شده بود. شهروندان معتقدند که با گرفتن امتحان الکترونیکی، حق به‌حق‌دار می‌رسد و کارمندان براساس لیاقت‌شان در بست‌های مهم دولتی مقرر می‌شوند.

اما می‌گوید که براساس قانون، ادارات حق دارند که در بست‌های سه و چهار کارمند استخدام کنند. محمدیوسف غزنوی، رییس اجراییه بود تعیینات این کمیسیون به روزنامه ۸ صبح گفت که کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی تنها مالکیت بست‌های یک و دو را دارد. از سوی دیگر، آقای غزنوی استدلال کرد که برخی از ادارات بنا بر استعجالیت پروژه‌ها و ضرب‌الاجل دونه‌ها، مکلفاند که هر چه زودتر کارمند استخدام کنند، از آن‌جایی که این پروسه زمان‌گیر است، استخدام کارمند در این بست‌ها به خود ادارات دولتی واگذار شده است. هم‌چنان رییس بود تعیینات این کمیسیون گفت که کمیسیون اصلاحات اداری فقط سیستم الکترونیکی را به عنوان یک تسهیل اضافی در اختیار ادارات دولتی قرار می‌داد تا امتحان بگیرند. او گفت که در تهیه سوالات خود ادارات نقش داشتند و کمیسیون تنها شفافیت را تأمین و از پروسه نظارت می‌کرد.

آقای غزنوی از سویی هم بیان کرد که کمیسیون اصلاحات اداری در همه ولایات سیستم الکترونیکی فعال ندارد. به گفته او، تنها در هشت ولایت این سیستم فعال است و شارت‌لیست شده‌گان باید به ولایت‌هایی که این سیستم فعال است، بروند و امتحان دهند. به باور او، اکنون وضعیت امنیتی نیز بحرانی است و سفر برای جوینده‌گان کار دشوار است. از این‌رو، او خاطر نشان کرد که با توجه به این مسائل، این تصمیم گرفته شده و استخدام کارمند برعهده خود ادارات گذاشته شده است.

از سوی دیگر، او توضیح داد که تنها بست‌های سه و چهار نوع مسلکی از سیستم امتحانات الکترونیک حذف و به ادارات واگذار شده است. به گفته آقای غزنوی بست‌های سه و چهار نوع حمایتی هم‌چنان در سیستم امتحان الکترونیکی وجود دارد و امتحان این بست‌ها الکترونیکی گرفته می‌شود. هم‌چنان او افزود که بست‌های مسلکی که عایداتی است و بحث پول در آن مطرح است و امکان فساد در آن وجود دارد، شامل سیستم الکترونیک است و امتحانش کامپیوتری گرفته می‌شود. آقای غزنوی تصریح کرد

مهم دولتی مقرر می‌کنند. حسین حیدری، از جوینده‌گان کار در واکنش به این تصمیم کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی گفت که حذف امتحان بست‌های سه و چهار از امتحان الکترونیک این کمیسیون نوعی عقب‌گرد است. به گفته او، بیش‌تر افرادی که در ادارات دولتی استخدام شده، از امتحان الکترونیک راضی‌اند. آقای حیدری تأکید کرد که حذف امتحان الکترونیک این بست‌ها، «بدون شک» زمینه فساد را فراهم می‌کند. او گفت: «در استخدام‌های ادارات دولتی بیش‌تر واسطه و فساد کاربرد دارد؛ اما سیستم الکترونیک این کمیسیون تا حد زیادی برای استخدام‌های شفاف موثر بود.» او از کمیسیون اصلاحات اداری و خدمات ملکی خواست که در این تصمیمش تجدید نظر کند و خواست هزاران درخواست‌کننده کار را به صورت جدی مدنظر بگیرد.

عمر شریفی، یک تن از کارمندان ادارات دولتی است. او که از طریق امتحان الکترونیکی در یکی از بست‌های وزارت‌خانه‌ها کامیاب شده است، حذف بست‌های سه و چهار خدمات ملکی را از سیستم امتحان الکترونیکی نوعی عقب‌گرد و برگشت به گذشته توصیف کرد. آقای شریفی گفت به عنوان کسی که در چند مورد امتحان الکترونیکی اشتراک داشته‌ام، این تصمیم باعث نگرانی من شده است. به گفته او کسانی که تجربه امتحان الکترونیکی را دارند، قطعاً می‌دانند که یک شفافیت خاص در آن پروسه وجود دارد. آقای شریفی افزود که اشتراک‌کننده‌گان در امتحان مطمئن‌اند که کم‌ترین دست‌برد در نمره‌دهی صورت نمی‌گیرد و نمره‌ای را که گرفته‌اند، همان نمره واقعی است. او گفت: «نمره را که می‌گرفتیم، قانع بودیم. چون همه‌چیز براساس سیستم بود. ولی اگر این تصمیم مورد خاص را شامل شود که استثنا باشد که خوب؛ ولی اگر عمومی باشد برای متقاضیان این بست‌ها نگران‌کننده است. ما به روند سابق برمی‌گردیم.» این کارمند تصریح کرد که در گذشته، در استخدام کارمند زورمندان دخالت داشتند و این باعث می‌شد که حق به‌حق‌دار نرسد. کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی

کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی حدود دو هفته پیش بست‌های «سه و چهار» خدمات ملکی را از سیستم امتحان الکترونیکی حذف کرد. این تصمیم اما با موجی از واکنش‌های شهروندان روبه‌رو شده است. شهروندان کشور این تصمیم کمیسیون را عقب‌گرد توصیف کرده و گفته‌اند که با حذف این بست‌ها از سیستم امتحان الکترونیکی، زمینه دخالت زورمندان در روند استخدام باز خواهد شد و شفافیت تأمین نخواهد شد. آنان از کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی خواسته‌اند که در تصمیمش تجدید نظر کند و امتحان این بست‌ها را خود کمیسیون به شکل کامپیوتری بگیرد. در همین حال، کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی می‌گوید که تنها بست‌های سه و چهار نوع مسلکی را از سیستم حذف کرده است و امتحان بست‌های حمایتی هم‌چنان الکترونیکی و کامپیوتری گرفته می‌شود. این نهاد دلیل حذف بست‌های سه و چهار نوع مسلکی را فراهم کردن تسهیلات برای ادارات عنوان می‌کند. به گفته مسوولان این کمیسیون، برخی از ادارات دولتی نظر به استعجالیت پروژه‌هایی که از سوی دونه‌ها تمویل می‌شود، به صورت فوری به کارمند نیاز دارند. از این‌رو صلاحیت استخدام به ادارات سپرده شده است تا بتوانند در زودترین فرصت کارمند استخدام کنند. از سویی هم مسوولان این نهاد تصریح می‌کنند که کمیسیون اصلاحات اداری تنها صلاحیت استخدام کارمند در بست‌های یک و دو را دارد و بست‌های سه و چهار از صلاحیت‌های خود ادارات است.

حذف بست‌های سه و چهار خدمات ملکی از سیستم امتحان الکترونیکی به تازه‌گی به سوژه داغ میان شهروندان تبدیل شده است. شماری از شهروندان حذف این بست‌ها را از سیستم الکترونیک از سوی کمیسیون اصلاحات اداری پرسش‌برانگیز و نوعی عقب‌گرد می‌دانند. به گفته آنان این کار کمیسیون زمینه فساد را در استخدام فراهم می‌کند و زورمندان از این طریق افراد وابسته به خود را در بست‌های

منارعه مرز، تاجیکستان و قرقیزستان؛

کدام یکی برحق است؟



حبیب حمیدزاده

مناقشات مرزی در حوزه اوراسیا میراث بد اتحاد جماهیر شوروی است. اوج این مناقشه در جنگ قره‌باغ میان آذربایجان و ارمنستان تجربه شد که در آن تلفات جانی و مالی به هر دو طرف وارد شد.

این میراث در آسیای میانه هم است که البته الحاق سرزمین‌های دیگران و در نتیجه تنش و درگیری تاهنوز کم‌تر رخ داده است.

پس از فروپاشی بلوک شرق و پایان عصر جنگ سرد در سال ۱۹۹۱، چالش‌های بزرگ برای جمهوری‌های تازه استقلال‌یافته آسیای میانه بر جای ماند و این چالش‌ها هم‌چنان در سطوح مختلف گریبان‌گیر دولت‌های حاضر در مناطق آسیای مرکزی است. تاجیکستان و قرقیزستان، با وجود گذشت حدود سه دهه از استقلال خود، همواره یک‌دیگر را به نقض مرز متهم می‌کنند و در سال‌های اخیر درگیری نظامی هم داشته‌اند.

در هشتم ثور سال روان خورشیدی، میان جمهوری تاجیکستان و کشور قرقیزستان به خاطر دعوی ارضی جنگ شدیدی رخ داد که هر دو طرف متحمل تلفات جانی و مالی فراوان شدند. تلفات تاجیکستان در مقایسه با طرف قرقیزستان اندکی کم‌تر بود. براساس آمارهای رسمی هر دو طرف، از جانب تاجیکستان ۱۹ تن به شمول ۱۰ غیرنظامی کشته شدند و ۸۸ تن دیگر زخم برداشتن که بهاء‌الدین بهادرزاده، رییس شهر «سفره» شامل زخمیان بود. هم‌چنان در این درگیری‌ها از جانب قرقیزستان ۳۶ تن کشته و ۱۸۹ نفر دیگر زخمی شدند. هر دو طرف با نگرانی از گسترش دامنه جنگ، به موقع گفت‌وگو و از حوادث خونین احتمالی در آینده جلوگیری کردند. ظاهراً دلیل اصلی درگیری مرزی میان دو کشور، اختلاف بر سر مالکیت منابع آبی در مرزهای دو کشور بوده است. چون تاجیکستان و قرقیزستان مدت‌ها است در خصوص مرزهای‌شان با هم اختلاف دارند؛ اما درگیری

اخیر که نیروهای دو کشور رو در روی هم قرار گرفتند، سنگین‌ترین درگیری نظامی میان دو کشور طی سال‌های اخیر بوده است.

دعوی ارضی میان دو کشور ریشه در شیوه تقسیم و اصول مدیریت و رهبری این جمهوری‌ها در دوران اتحاد شوروی دارد. بین تاجیکستان و قرقیزستان ۹۷۰ کیلومتر مرز مشترک وجود دارد که از این میان فقط بالای ۵۱۹ کیلومتر آن توافق شده، بقیه این مرز هم‌چنان نامشخص است. به عبارت دیگر، هر دو طرف، مرزهای فرضی خود را دارند که همین مورد باعث شده است یک طرف در خاک طرف دیگر خانه بسازد و این عمل در نهایت منجر به درگیری و خون‌ریزی شود. همین امر موجب شده است که ساکنان مناطق مرزی بر سر استفاده از منابع آب، راه، چراگاه و زمین با هم اختلاف نظر پیدا کنند و در مقاطع مختلف شاهد درگیری‌های خونین میان یک‌دیگر باشند. مهم‌ترین کانون بحران میان دو کشور، منطقه «واروخ» است.

در حال حاضر، تاجیکستان به تقسیمات اولیه (۱۹۲۴ - ۱۹۲۷)، یعنی تقسیمات دوران حاکمیت اتحاد شوروی متعهد و پای‌بند است و روی عملی‌سازی همان تقسیمات اولیه تأکید می‌کند و از طرف قرقیزستان خواسته است که به آن فیصله‌ها پای‌بند باشد. اما قرقیزستان اول بر فیصله سال ۱۹۸۹ یعنی زمان فروپاشی اتحاد شوروی و مستقل شدن جمهوری‌های آسیای میانه اصرار می‌ورزید. جانب تاجیکستان استدلال می‌کند و مدعی است که قرار کمیسیون مشترک سال ۱۹۸۹ میلادی مراحل حقوقی خود را به کلی طی نکرده است و برای همین نمی‌تواند سند معیاری حقوقی نداشته شود.

منطقه واروخ جزئی از خاک تاجیکستان است؛ اما به دلیل عدم پیوسته‌گی جغرافیایی با تاجیکستان، برای تردد با دیگر بخش‌های این کشور با مشکلاتی مواجه است. همین موقعیت جغرافیایی توجه قرقیزها را جلب کرده است. جانب تاجیکستان مدت‌ها بود که اجازه داده بود، مردم قرقیزستان از آب و طبیعت آن استفاده

پس از فروپاشی بلوک شرق و پایان عصر جنگ سرد در سال ۱۹۹۱، چالش‌های بزرگ برای جمهوری‌های تازه استقلال‌یافته آسیای میانه بر جای ماند و این چالش‌ها هم‌چنان در سطوح مختلف گریبان‌گیر دولت‌های حاضر در مناطق آسیای مرکزی است. تاجیکستان و قرقیزستان، با وجود گذشت حدود سه دهه از استقلال خود، همواره یک‌دیگر را به نقض مرز متهم می‌کنند و در سال‌های اخیر درگیری نظامی هم داشته‌اند.

کنند. اما قرقیزها با استفاده از آن در قلمرو تاجیکستان دست به ساخت‌وساز خانه زدند و مصمم بودند که خانه‌سازی و تسخیر اراضی را توسعه و گسترش دهند. نزاع مرزی‌ای که قرقیزها آغازگر آن بودند، ریشه در تقسیمات مرزی مناطق غانچی دارد. قرقیزستان به طور غیرمترقبه سندهای حقوقی سال ۱۹۸۹ را که مورد قبول خودش بود و قبلاً به آن تکیه می‌کرد، باطل دانست و منتفی کرد و به جای آن به تصمیم کمیسیون مشترک سال‌های ۱۹۵۷ - ۱۹۵۹ که موضوع استفاده از زمین و آبیاری آن را تنظیم می‌کرد و به نفع قرقیزستان است، اساس قرار داد و معیار و معتبر دانست. قطعه کوچی قلعه‌چه، ناحیه باباجان غفوروف ولایت سغد که در تقسیم آب آمده، مطابق اسناد سال‌های ۱۹۲۴ - ۱۹۲۷ و ۱۹۸۹ حدود تاجیکستان است. درست همین جاهایی که قرقیزستان اکنون آن را از آن خود می‌داند.

مقام‌های تاجیکستان مدعی هستند که در همه جلسه‌های کمیسیون مشترک، به تکرار راه‌های حل مشکلات مرزی بحث‌برانگیز را به کشور قرقیزستان ارایه کرده‌اند، اما جانب قرقیزستان آماده بحث و گفت‌وگو برای حل عادلانه و درست مرزهای مورد دعوا نیست.

همان‌طوری که گفته شد، قرقیزستان در یک عقب‌نشینی به سندهای سال‌های ۱۹۵۸ - ۱۹۵۹ تکیه می‌کند و ادعا دارد که قطعه زمین مورد دعوا به آن کشور تعلق دارد. اما اسناد به دست آمده از بایگانی فدراتیف روسیه در آن زمان بر صحت موضع تاجیکستان مهر تأیید گذاشته است. اسناد به دست آمده نشان می‌دهد که منطقه واروخ ناحیه «سفره»

(قلمروی که قرقیزستان دعوا دارد)، در قلمرو کنونی قرقیزستان محل نزاع نبوده و به شهر «سفره» پیوسته و متعلق به خاک تاجیکستان است. بخش جالب این قصه، این است که چند هفته قبل هنگامی که بحث این موقعیت بالا گرفته بود، امام علی رحمان، رییس جمهوری تاجیکستان به این منطقه سفر کرد و با مردم آن سخن گفت. این به آن معنا است که از نخست در آن‌جا مردم بومی متعلق به جمهوری تاجیکستان می‌زیسته‌اند و در حال حاضر اگر قرقیزی قصد دیدن آن‌جا را داشته باشد، باید ویزای تاجیکستان را دریافت کند.

اسناد نشان می‌دهد که از سال ۲۰۱۳ میلادی تاکنون قرقیزستان چندین مرتبه اقدام به بستن راه‌های مرزی کرده و این اقدامات تحریک‌آمیز سبب بروز منازعه مرزی میان دو کشور شده است. متأسفانه اغلب اقدامات این چنینی منجر به کشته شدن نظامیان و غیرنظامیان شده است. گفتنی است که قرقیزستان طی سال‌های پسین بیش‌تر از ۲۰ میلیون دالر امریکایی را برای ساخت راه از منطقه «آق‌سای» تا دریای «کر افشان» هزینه کرده است و در دست اجرا دارد که هدف آن تغییر مسیر دریای کر افشان است که شاخ‌آب دریای «سفره» متعلق به خاک تاجیکستان می‌باشد.

تازه‌ترین اقدامات نظامی و تحریک‌آمیز قرقیزستان در سال روان میلادی بود. آخر مارچ ۲۰۲۱ قرقیزستان نیروهای مسلح خود را به بهانه برگزاری تمرین نظامی به «باتکند» (ناحیه مرزی با تاجیکستان) مستقر کرد. قمچی بیک تاشیوف، رییس کمیته امنیت ملی قرقیزستان و سدید جباروف، رییس جمهوری کنونی آن کشور، تبدیل کردن واروخ با زمین‌های خود تاجیکستان که فعلاً برای قرقیزها اجاره داده شده است را راه حلی برای پایان منازعات مرزی عنوان کردند. این اقدام با واکنش تند مقامات تاجیکستان مواجه شد و بعضی از مقامات تاجیکستان به شمول رییس جمهوری از واروخ دیدار کردند. امام علی رحمان واگذاری واروخ را ناممکن اعلام کرد.

در پاسخ به اقدام تحریک‌آمیز قرقیزستان، جانب تاجیکستان در ۲۸ اپریل ۲۰۲۱ میلادی در قلمرو خود به منظور نظارت بر فعالیت‌ها و جلوگیری از گسترش نفوذ مرزی قرقیزستان به خاک تاجیکستان، اقدام به نصب کمره‌های نظارتی بالای سربند «گلونای» کرد که با واکنش مرزنشینان قرقیز مواجه شد. نصب کمره‌ها آغاز جنگ میان دو طرف بود. قرقیزها اول سنگ‌اندازی کردند و سپس کار به درگیری مسلحانه کشیده شد.

آیا پاکستان به سیاست سنتی خود در قبال افغانستان پایان داده است؟

هم‌چنان تأکید آن کشور بر شکل‌گیری یک حکومت فراگیر و قابل قبول برای تمامی طرف‌ها در کابل است. قرار معلوم، پاکستان سیاست استفاده از بنیادگرایی به عنوان ابزار مداخله در امور افغانستان را کنار گذاشته؛ زیرا این کشور نگران است که مبدا جریان‌های بنیادگرا از کنترل اسلام‌آباد خارج شوند و آتش دشمنی آن دامن پاکستان را بگیرد. همین حالا گروه طالبان پاکستانی، یکی از نگرانی‌های جدی اسلام‌آباد است. در صورتی که جنگ افغانستان از راه سیاسی پایان نیابد و طالبان تمام توانش را روی گزینه نظامی بگذارند، خطری که متوجه پاکستان خواهد بود، تقویت طالبان پاکستانی از سوی طالبان افغانستانی است. در این سناریو، پاکستان بعد از افغانستان بیش‌ترین ضرر را خواهد دید. این نگرانی را عمران خان در مصاحبه مطرح کرد و به صورت روشن گفت که مردم پاکستان نگران‌اند.

برای اسلام‌آباد، سناریوی مورد نظر برای افغانستان آن است که چند دهه منازعه این کشور از طریق سیاسی پایان یابد و یک دولت ائتلافی میان جناح‌های مختلف و گروه طالبان تشکیل شود. در صورت شکل‌گیری چنین ساختاری، از یک طرف خطر روی کار آمدن یک حکومت به تمام معنا بنیادگرا و تندرو با محوریت طالبان رفع می‌شود و از طرف دیگر، اسلام‌آباد نقش برجسته در امور افغانستان خواهد داشت و تهدیدی از سوی کابل متوجه پاکستان نخواهد بود. اما در صورتی که جنگ ادامه پیدا کند، پاکستان نیز آسیب خواهد دید.

به نظر می‌رسد رویکرد جدید پاکستان، حتا اگر در روی کاغذ هم باشد، به نفع افغانستان است. مسوولان دولت افغانستان باید از این وضعیت به نفع صلح استفاده کنند و برای راستی‌آزمایی ادعاهای مقام‌های پاکستانی، اختلافات را کنار بگذارند و بر سیاست حسن هم‌جواری تأکید کنند. در صورتی که پاکستانی‌ها در ادعاهای خود صادق باشند و منافع کشورشان را در مسیر صلح افغانستان تعریف کرده باشند، بر مسوولان افغانستان است که برای احیای مذاکرات صلح تلاش کنند. واقعیت این است که با همکاری صادقانه پاکستان، مسیر صلح افغانستان هموار و هموارتر می‌شود. حالا که پاکستانی‌ها قدم اول را برداشته و خشت اول را گذاشته‌اند، مسوولان دولت افغانستان قدم‌های بعدی را بردارند و خشت‌های بعدی را بگذارند و روند صلح را از حالت بلاتکلیفی کنونی بیرون کنند.

از داوود خان، در جریان دولت دموکراتیک افغانستان، تنش میان کابل و اسلام‌آباد بیش‌تر شد و دو طرف در یک جنگ فرسایشی و پیچیده صف‌آرایی کردند. پیامد این جنگ، برای افغانستان تلخ و خونین بود. تمامی نهادهای ملی این سرزمین فروپاشید و کابل و دیگر شهرهای افغانستان ویران شد.

در جریان دولت مجاهدین نیز مداخله پاکستان در امور افغانستان ادامه داشت. این کشور پس از آن‌که از تنظیم‌های تحت حمایتش به ویژه حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار برای تسلط بر کابل، ناامید شد، روی جنبش نوظهوری به نام طالبان سرمایه‌گذاری را آغاز کرد. سرمایه‌گذاری پاکستان نتیجه داد و گروه طالبان توانست کابل و بخش‌های زیادی از افغانستان را تصرف کند. از زمان سقوط دولت دموکراتیک تا سقوط امارت طالبان، پاکستان دست باز در امور افغانستان داشت.

با حضور نیروهای بین‌المللی به رهبری امریکا در کشور و شکل‌گیری نظم جدید، وضعیت تغییر کرد و پاکستان به دلیل فشارهای امریکا به جبهه جنگ علیه تروریسم پیوست. در این مدت، بازهم یکی از اتهامات علیه پاکستان، همکاری این کشور با گروه طالبان بوده است؛ موضوعی که عمران خان نیز در مصاحبه اخیرش به نوعی آن را تأیید کرد و پذیرفت که پاکستان حتا زمانی که طالبان با امریکا می‌جنگیدند، با این گروه همکاری داشت.

اکنون اما به نظر می‌رسد که وضعیت برای پاکستان تغییر کرده است. حداقل در روی کاغذ اسلام‌آباد منافعش را در مسیر صلح افغانستان قرار داده است و در کارزار ختم جنگ و برقراری ثبات در این سرزمین سهم فعال دارد. در رویکرد جدید پاکستان، به صورت ملموس نشانه‌ای از سیاست چند دهه گذشته این کشور دیده نمی‌شود. یکی از اصول مهم سیاست پاکستان در قبال افغانستان در گذشته این بود که افغانستان باید از سوی یک گروه پشتون‌محور و بنیادگرای مذهبی که بتواند آلت دست اسلام‌آباد باشد، کنترل شود. اکنون چنین به نظر نمی‌رسد. مصداق این ادعا، دعوت اسلام‌آباد از چهره‌های دولتی و سیاسی غیرپشتون برای سفر به پاکستان و

همین دلیل از آقای محب می‌خواهد که سخنانش را اصلاح کند. او هشدار داده که با جامعه جهانی مطرح خواهد کرد که این فرد (حمدالله محب) به عنوان مشاور امنیت ملی افغانستان، در واقع «عنصر تباہ‌کننده صلح» در افغانستان است.

پاکستان از سال ۲۰۱۸ به این طرف، در قضایای صلح افغانستان فعال بوده است. گفته می‌شود که این کشور در کشاندن طالبان به پای میز مذاکره با امریکا، نقش برجسته داشته است. در ماه‌های اخیر که گفت‌وگوهای صلح افغانستان با بن‌بست روبه‌رو بوده و تلاش برای احیای این روند جریان داشته است، پاکستان در چندین نشست در پیوند به صلح افغانستان شرکت و از این روند اعلام حمایت کرده است. در همین حال، مسوولان دولت افغانستان و دولت‌های منطقه و جهان، نیز به نقش پاکستان در جنگ و صلح افغانستان معترف‌اند. این مسوولان در تمامی نشست‌ها به نوعی اشاره کرده‌اند که بدون همکاری صادقانه پاکستان، روند صلح افغانستان به نتیجه نمی‌رسد. به باور بسیاری، در صورتی که اسلام‌آباد در روند صلح افغانستان همکاری صادقانه داشته باشد، این روند به نتیجه می‌رسد. آخرین بار، دو روز پیش (یک‌شنبه، شانزدهم جوزا)، حنیف اتمر، وزیر خارجه کشور، گفت که بدون همکاری پاکستان قطع خون‌ریزی و پیش‌رفت در صلح ممکن نیست. او توضیح داد که همکاری با پاکستان برای دولت و مردم افغانستان حتمی است و در هر حالت گفت‌وگو و همکاری با این کشور را باید حفظ کنیم.

این در حالی است که دست‌کم در چهار دهه گذشته، پاکستان از بنیادگرایی به مثابه ابزار مداخله در امور افغانستان استفاده کرده است. این کشور پس از روی کار آمدن محمدداوود خان و طرح سیاست پشتونستان‌خواهی از سوی او، آموزشگاه‌هایی را برای تربیت بنیادگرایان افغانستان در خاکش تأسیس کرد. براساس مستندات تاریخی، برای اولین بار ۵۰۰۰ جنگ‌جو در این مراکز آموزش دیدند و برای جنگ با دولت مستقر در کابل وارد خاک افغانستان شدند. پس

موضع پاکستان در قبال افغانستان تا حدود زیادی روشن شده است. به نظر می‌رسد که این کشور منافعی را در مسیر صلح افغانستان تعریف کرده و سیاست دهه‌های گذشته و سنتی‌اش را کنار



اسماعیل احسان

گذاشته است. عمران خان، نخست‌وزیر پاکستان، اخیراً در مصاحبه با خبرگزاری رویترز در مورد افغانستان اظهارات جالب توجه و مهم داشته است. خان گفته که دولت تحت رهبری‌اش سیاست دهه‌های قبل و سنتی پاکستان که به ایجاد «عمق استراتژیک» در افغانستان متمرکز بود تا یک دولت حامی منافع اسلام‌آباد در کابل شکل بگیرد را تغییر داده است.

نخست‌وزیر پاکستان در مورد سناریوی آغاز جنگ داخلی در افغانستان نیز گفته در صورتی که جنگ داخلی در این کشور آغاز شود، پس از افغانستان اولین کشوری که آسیب می‌بیند، پاکستان است. او توضیح داده که پاکستان به دنبال حل‌وفصل مسأله افغانستان پیش از خروج نیروهای بین‌المللی است تا از بروز جنگ داخلی در همسایه‌گی شرقی خود جلوگیری کند. خان اضافه کرده است که هر حکومتی که در افغانستان از سوی مردم گزینش شود، پاکستان باید با آن کنار بیاید و همکاری کند. او هم‌چنان گفته است که پاکستان نباید تلاش کند تا در امور افغانستان مداخله و اعمال نفوذ کند. به باور خان، تمام مسایل مرتبط به کاهش خشونت‌ها در افغانستان، به همکاری امریکا، پاکستان و افغانستان بسته‌گی دارد.

در کنار عمران خان، چهره‌های دیگر پاکستان نیز اعلام کرده‌اند که اسلام‌آباد از روند صلح افغانستان حمایت می‌کند. شاه‌محمد قریشی، وزیر امور خارجه پاکستان، در واکنش به سخنان حمدالله محب، مشاور امنیت ملی کشور که پاکستان را به گسترش مرزهایش در داخل خاک افغانستان متهم کرده بود، گفته است که اسلام‌آباد به فکر صلح و ثبات در منطقه است و به



+93) 700 175 510 / +93) 788 788 799

جهت سفارش آگهی‌تان با شماره‌های روبه‌رو در تماس شوید:

روزنامه ۸ صبح برای توسعه کسب و کارتان صفحه‌ی ویژه تبلیغات ایجاد کرد. روزنامه ۸ صبح به هدف کمک و حمایت از توسعه مشاغل و تجارت، تبلیغات شما را با هزینه کم‌تر و کیفیت بهتر نشر می‌کند. این روزنامه یک صفحه‌ی ویژه تبلیغاتی را به همین منظور راه‌اندازی کرده است. در این صفحه‌ی ویژه به تناسب استطاعت شما فضا وجود دارد. ما با داشتن تیراژ بلند در نسخه‌ی چاپی و مخاطبان حداکثری در پایگاه‌های مجازی‌مان آماده همکاری با مشاغل و کسب‌وکارهای مختلف هستیم تا تبلیغات شما را با مخاطبان خود به اشتراک بگذاریم.

بهزاد فرنیچر



Email: behzad.dost@gmail.com 0781 700 000

بهزاد فرنیچر کیفیت بهتر

آدرس: چهارراهی بره‌کی، کابل، افغانستان



شرکت خدمات IT برتر تیک

لیست بهترین خدمات ما

- طراحی وبسایت
- وب هاستینگ و ثبت دامین
- طراحی و توسعه دیتابیس
- ساخت برنامه‌های موبایل
- طراحی و پیاده سازی نتورک
- نصب کامره‌های امنیتی
- بازاریابی از طریق شبکه‌های اجتماعی
- گرافیک دیجیتال (لوگو، بروشور، ویزیت کارت...)
- سنو (بالا بردن رتبه سایت در صفحه اول گوگل)



+93777690909

info@bartartech.com

+93787935900

www.bartartech.com

کوته سنگی، کولابی دواخانه، کابل افغانستان

آشپزخانه مادر



تهیه غذاهای با کیفیت با نازل ترین قیمت
برای محافل رسمی و شخصی

آشپزخانه مادر یکی از مدرن ترین و پیشرفته ترین آشپزخانه‌های پایتخت است که افتخار دارد برای اولین بار در افغانستان با ویژگی‌های منحصر به خودش به فعالیت آغاز نموده است. آشپزخانه مادر افتخار دارد که بهترین و باکیفیت‌ترین غذاهای داخلی و خارجی را با مجرب ترین آشپزها برای محافل رسمی و شخصی، مهمانی‌ها و دعوت‌ها، ورکشاپ‌ها و سمینارها با انتقال رایگان به اسرع وقت با نازل ترین قیمت در خدمت مشتریان عزیز قرار دارد. ما در تلاش هستیم تا با ارائه خدمات صادقانه و متفاوت از دیگران اعتبار و رضایت مشتریان محترم‌مان را کسب کنیم و باورمندیم که گنجی با ارزش‌تر از رضایت و خدمت صادقانه برای همشهریان ما وجود ندارد.

شماره‌های تماس: ۰۷۷۰۶۷۶۴۶۵ - ۰۷۰۷۱۳۱۳۲۶

آدرس: سرک اول کارته چهار، کوچه لیسه عالی رابعه بلخی

شفاخانه آینه صحت

تخفیف ویژه
۲۸۰۰۰ افغانی

کاشت مو طبیعی به روش FUE

کاشت مو یکی از تداوی‌های عمده و اساسی برای طاسی سر است. در این تداوی موها از ساحات عقب سر یعنی قسمت‌هایی که موها قوی‌تر هستند و مساعد به ریزش نیستند گرفته شده و به قسمت جلو سر یعنی جاهای خالی انتقال داده می‌شود. قبلاً هموطنان ما برای اجرای این عملیه مجبور به سفر به خارج از کشور بودند اما فعلاً این عملیه در داخل کشور با مصارف کمتر قابل اجرا است. تیم مرکز جلدی و زیبایی شفاخانه آینه صحت با سرپرستی داکتر پامیرحسین صالحی، داکتر میوند حبیب و داکتر وحیدالله عاشر، با در نظر داشت شرایط اقتصادی هموطنان ما کاشت مو را با کیفیت عالی و تخفیف ویژه انجام می‌دهد.

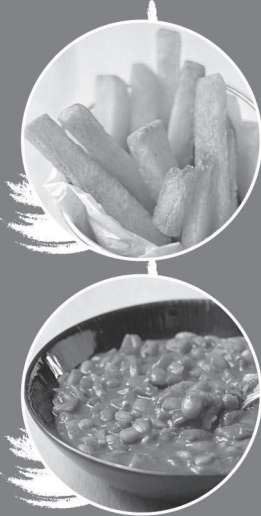
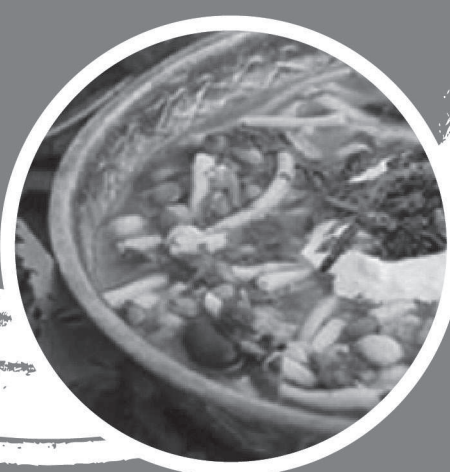
آدرس: بین چهارراهی پروان دوم و گل سرخ، شفاخانه آینه صحت

شماره تماس: ۰۷۸۱۲۳۵۰۴۰

آشردلیذیر

یک بار امتحان کنید
بار بار نوش جان

آدرس: جاده بابہ مزاری، مهتاب قلعه، روبروی شفاخانه
محمدعلی جناح، جوار دانشگاه رابعه بلخی
شماره تماس: ۰۷۷۵۲۰۷۳۶۸



بار دیگر کرونا نامونشان را به رخ مامی کشد

حسن فروغ ارشد



امروز که نیاز شدید به آرامش دارم، شیشه و باران، هر دو به یک اندازه دوست‌داشتنی است. لرزش برگ‌های ظریف و سبز درخت زردآلو پس از تصادم قطرات باران، زنده‌گی را به چرخش دعوت می‌کند. حالا اندکی از کرونا دور شده‌ام و به چیزهای زیباتر، خودم را مصروف کرده‌ام.

این یادداشت کوتاه را پارسال نوشته بودم. آن زمان، شرایط کرونایی بود و ما هم پس از تعطیل شدن دفتر، در خانه قرنطین بودیم. بسیار کم بیرون می‌رفتم و به آهنگ فرهاد دریا سخت باور داشتم که «کرونا ذ بیرونا است». آدمی موجود لجام‌گسیخته است، تا لجامش را نکشی، قدر آزادی را کم‌تر می‌داند، تا بدنش تب نکند، صحت را غنیمت نمی‌شمارد و تا قدرت دیدش در چارچوب یک چهاردیواری محدود نشده است، قشنگی باران پشت شیشه را حس نمی‌تواند.

کرونا و شرایط قرنطین تمام این فشارها را آورد، تا غرورمان را کنار بگذاریم و به چیزهایی که نیندیشیده‌ایم، ببیندیشیم. آسمان کابل هم پس از خموشی نسبی انسان‌ها، رنگ تیره‌تر گرفته بود. شام‌های آسمان کابل گل‌گلی می‌شد. گل‌گلی از کاغذپران. کاغذپرانی که اکنون تنها بازیچه اطفال شهر کابل نبود، بزرگ سالانی که از کار بیکار شده بودند، بخشی از روزمره‌گی‌هایشان را با یاد دادن کاغذپران سپری می‌کردند. شاید آسمان رنگارنگ ماه‌های قرنطین سال ۱۳۹۹ در خاطر اکثر کابل‌نشینان ماندگار بماند. رنگارنگی که هم نشان زیبایی بود و هم نشان درمانده‌گی مردم یک شهر. مردمی که نیاز به ۳۰۰ افغانی مزد روزانه داشتند و به هیچ‌وجه شکم‌های گرسنه‌شان با لطافت پرواز کاغذپران سیر نمی‌شد.

شرشر باران پشت بام زیباترین صدایی است که این روزها مرتب می‌شنوم. به راستی چرا صدای باران تکراری نمی‌شود؟ برای من بسیاری از صداها تکراری شده است. صدای موسیقی را بارها شنیده‌ام و حالا میلی به شنیدنش ندارم. صدای خبرنگاران یا سخن‌گویان نهاده‌ها هم همین‌طور. شاید به این دلیل باشد که باران را طبیعت ساخته است و هیچ کجای آن ساخته‌گی و مصنوعی نیست. صدای باران زیباترین و اصیل‌ترین صدای طبیعت است و در دنیایی پر از تصنعات چیزهای طبیعی اگر چه اندک است؛ اما قلب آدم را می‌رباید. البته همه ساخته‌گی‌های دست بشر هم بد نیست. به شیشه پنجره‌تان نگاه کنید، آن را هم بشر ساخته است. شما را نمی‌دانم، من از پشت شیشه زیبایی باران را دو برابر می‌بینم و فکر می‌کنم

کرونا و شرایط قرنطین تمام این فشارها را آورد، تا غرورمان را کنار بگذاریم و ببیندیشیم. آسمان کابل هم پس از خموشی نسبی انسان‌ها، رنگ تیره‌تر گرفته بود. شام‌های آسمان کابل گل‌گلی می‌شد. گل‌گلی از کاغذپران. کاغذپرانی که اکنون تنها بازیچه اطفال شهر کابل نبود، بزرگ سالانی که از کار بیکار شده بودند، بخشی از روزمره‌گی‌هایشان را با یاد دادن کاغذپران سپری می‌کردند. شاید آسمان رنگارنگ ماه‌های قرنطین سال ۱۳۹۹ در خاطر اکثر کابل‌نشینان ماندگار بماند. رنگارنگی که هم نشان زیبایی بود و هم نشان درمانده‌گی مردم یک شهر. مردمی که نیاز به ۳۰۰ افغانی مزد روزانه داشتند و به هیچ‌وجه شکم‌های گرسنه‌شان با لطافت پرواز کاغذپران سیر نمی‌شد.

در هفته دوم قرنطین عمومی شهر کابل قرار داشتیم؛ ولی هنوز هم مردم زیادی روی سرک و بازار دیده می‌شدند. تعدادی از دکان‌داران هم به خرید و فروش می‌پرداختند. شهر خلوت بود؛ اما خالی از گشت‌وگذار نبود. در کنار سرک به چند تن کودک برخوردیم؛ کودکانی که سن‌شان به کم‌تر از پانزده سال می‌رسید. آن‌ها مصروف فروش کاغذپران بودند و حالا علاوه بر خاک سرک در معرض ویروس کشنده کرونا نیز قرار داشتند. به یکی از کودکان گفتم که چرا بیرون برآمدی، ممکن است کرونا بگیري. لبخند تلخی به لبانش بسته شد و گفت که کاکا خودت چرا برآمدی؟ حالا تازه فهمیدم که واقعاً کاکا شده‌ام؛ ولی هنوز از کاکه‌گی فاصله زیادی دارم. اگر چه آن کودک سوالم را با سوال پاسخ گفت؛ اما از تبسم تلخش به خوبی می‌شد فهمید که او نیز دوست ندارد، کاغذپران فروش روی سرک باشد، او نیز دوست ندارد در سن کودکی به تهیه نان شب فکر کند، او نیز دوست ندارد از بازی‌های کودکانه محروم باشد، یقیناً او هم می‌خواست مثل دیگر کودکان به جای فروش کاغذپران در روی سرک، از داخل حویلی‌اش کاغذپران به آسمان بدهد؛ اما او نان‌آور خانواده‌اش بود و اگر می‌خواست نان شب داشته باشد، باید روی سرک می‌آمد. اگر می‌خواست مادرش شب را گرسنه نخواست، باید از ریسک ابتلا به کرونا گذر می‌کرد.

یکی از روزها، ساعت سه بعد از ظهر رفتم دکان دم کوجه تا کريدت کارت بخرم. دکان‌دار مرد تقریباً مسن بود، دست‌اناش می‌لرزید و محاسبه‌اش در شمارش قیمت اجناس تعریفی نداشت. همه‌چیز و همه کارها قرنطین بود و بابه دکان‌دار که از قشر آسیب‌پذیر در برابر کرونا محسوب می‌شد، هم‌چنان روزانه با ده‌ها نفر دادوستد جنس و پول داشت. پنج صد افغانی

کريدت خواستم و زمان زیادی صرف شد تا دکان‌دار بفهمد که چند قطعه کريدت برایم بدهد تا از پنج صد افغانی کم‌تر و بیش‌تر نشود. در این زمان، خانمی وارد دکان شد و دستش را به روی تخم مرغ‌هایی که در دهانه دکان گذاشته شده بود، گذاشت. در حالی که پنج صد افغانی در دست داشت، پرسید که کاکا تخم مرغ چند اس؟ دکان‌دار پاسخ داد: نه افغانی. مادر بیچاره زیر زبانش چیزی را گفت؛ اما نفهمیدم که چه گفت، شاید از شرایط سخت زنده‌گی شکایت کرد و شاید هم دشنامی نثار دکان‌داران گران‌فروش کرد. به هر حال، اندکی تلعل کرد و در حالی که یکی از تخم‌ها را برداشته بود و سبک و سنگین می‌کرد، با ناامیدی و دو دلی دکان را ترک کرد و شاید تصمیم گرفت، شب را با چیزی ارزان‌تر از تخم مرغ سپری کند. کريدت را گرفتم و با وسواس این‌که ویروسی باشد، در کنج جیب شلوارم انداختم. پول‌های خرد را که از دکان‌دار گرفته بودم هم به صورت جداگانه با این برداشت که ویروسی است، در جیب دیگرم انداختم و راه خانه را در پیش گرفتم.

تلویزیون بی‌بی‌سی از شروع کارهای اداری در ایران خبر می‌داد و می‌گفت که در ضمن شروع فعالیت‌ها، فاصله‌گذاری اجتماعی الی دو متر در نظر گرفته شده است. کارشناسان شکستن قرنطین در ایران را ناشی از پیامدهای ناگوار اقتصادی می‌دانست. فکر کنم در این روزها برای اکثر کشورها و سازمان‌های جهان، انسان پس از اقتصاد مطرح می‌شود. قرنطین می‌توانست با تمام دشواری‌هایش جان انسان‌ها را نجات دهد؛ اما در بدل، اقتصاد کشورها و سازمان‌ها را کرونارزده می‌کرد، از این‌رو، اکثر تصمیم مربوط به قرنطین در بعضی از کشورها، از جمله ایران با پیامدهای اقتصادی سبک و سنگین می‌شد تا جان و صحت انسان. قرنطین باعث می‌شد که چرخ کارخانه‌ها بایستند. عدم قرنطین، ماشین اقتصاد را فعال نگه می‌داشت و چرخ زنده‌گی پیر مرد یا پیر زنی را متوقف می‌کرد. با این وجود، کارگزاران اما چرخ کارخانه‌ها را می‌خواستند و حیات انسان در لابلای چرخ کارخانه‌ها گم شده بود. مدت‌ها است انسانیت زیر دندان‌های چرخ ماشین‌های صنعتی خرد و خمیر شده است؛ اما ما فقط در شرایط کرونایی بهتر توانستیم درکش کنیم.

اکنون پس از یک سال، بار دیگر کرونا نام‌ونشان را به رخ ما کشیده است. روزانه انسان‌های زیادی می‌میرند. اکنون بهتر است، دوباره آهنگ فرهاد دریا را زمزمه کنیم و از گشت‌وگذارهای بی‌مورد جلوگیری کنیم. پارسال نان خشک سهم آدم‌های مستحق نشد. امیدوارم امسال دسترخوان ملی فقرا را فراموش نکنند.

توصیه‌های صحتی را جدی بگیریم



مختار احمد رجب‌زاده

در روزهایی که موج سوم کرونا (کووید-۱۹) وارد فضای رسانه‌ای شد، مردم ترس دور اول را نداشتند و همه‌چیز را نادیده می‌گرفتند. این موج به زودی فراگیر شد و کشورهایی را دوباره با بحران مواجه ساخت. از جمله، کشور هندوستان به کمبود اکسیجن و بستر برای مریضان در مراکز صحتی مواجه شد. در سوی دیگر، ایران نیز فریاد شیوع موج سوم کرونا را سر داد. ما با جمعی از دوستان در روزهای اول این موج در تهران بودیم. با حضور در آن‌جا تدابیر پیش‌گیرانه را می‌دیدیم و برای چند روز محدود در تهران وضعیت قرمز اعلام و این شهر قرنطینه شد. اینک وزارت صحت عامه افغانستان نیز کارمندان خدمات ملکی که سن‌شان بلندتر از ۵۵ سال است را برای دو هفته رخصت و دروس دانشجویان و دانش‌آموزان ۱۶ ولایت را تعطیل کرده است. اما چرا ما توصیه‌ها را رعایت نمی‌کنیم؟ شهروندان کشور همسایه با داشتن تمام امکانات بهداشتی و اقتصاد پویا، کرونا را جدی گرفته‌اند و به هدایت وزارت بهداشت‌شان عمل می‌کنند.

در روزهایی که موج سوم کرونا (کووید-۱۹) وارد فضای رسانه‌ای شد، مردم ترس دور اول را نداشتند و همه‌چیز را نادیده می‌گرفتند. این موج به زودی فراگیر شد و کشورهایی را دوباره با بحران مواجه ساخت. از جمله، کشور هندوستان به کمبود اکسیجن و بستر برای مریضان در مراکز صحتی مواجه شد. در سوی دیگر، ایران نیز فریاد شیوع موج سوم کرونا را سر داد. ما با جمعی از دوستان در روزهای اول این موج در تهران بودیم. با حضور در آن‌جا تدابیر پیش‌گیرانه را می‌دیدیم و برای چند روز محدود در تهران وضعیت قرمز اعلام و این شهر قرنطینه شد. اینک وزارت صحت عامه افغانستان نیز کارمندان خدمات ملکی که سن‌شان بلندتر از ۵۵ سال است را برای دو هفته رخصت و دروس دانشجویان و دانش‌آموزان ۱۶ ولایت را تعطیل کرده است. اما چرا ما توصیه‌ها را رعایت نمی‌کنیم؟ شهروندان کشور همسایه با داشتن تمام امکانات بهداشتی و اقتصاد پویا، کرونا را جدی گرفته‌اند و به هدایت وزارت بهداشت‌شان عمل می‌کنند.

چیزی که در دور سوم با داشتن تجربه دو دور دیگر برای ما جالب تمام شد، عدم حضور شهروندان ایرانی در مجتمع‌ها و خصوصاً در سطح شهر بود. صبح روز اول قرنطین وقتی از خواب‌گاه‌مان بیرون شدیم، شهر را خالی از مردم دیدیم و تنها موترهایی که از طریق «پلیکیشن اسنپ» قابل دسترس بود،

دوباره نان مستفید شوم. این برخوردشان سبب تقویت روحیه‌ام شد تا از آن درس بگیرم. کشورهای دیگر با چنین همکاری جمعی‌ای بر ویروس کرونا غلبه کرده‌اند.

امیدوارم بعد از خواندن این روایت، انگیزه جدیدی برای تان پیدا شود و کرونا (کووید-۱۹) را جدی بگیرید. زیرا کرونا شوخی ندارد. این‌بار جوانان نیز در امان نبوده و افراد، فارغ از سن‌شان به این ویروس آلوده شده‌اند.

در خانه بمانید و در صورت ضرورت اگر بیرون می‌روید، از ماسک استفاده کنید. فاصله اجتماعی را مراعات و از دست دادن و روبروسی جلوگیری کنید. از جانب دیگر، اگر راننده تکسی هستی برای حفاظت خویش و خانواده محترم‌تان اطراف چوکی خود را با پلاستیک حصار بکشید و در موترتان به صورت هم‌زمان بیش‌تر از دو مسافر را سوار نکنید. هر کدام ما به بخشی از کارزار مبارز علیه کرونا مبدل شویم.

که قانون‌گرایی و روحیه همکاری میان دولت و ملت، چقدر به کنترل اوضاع کمک کرده است. با این حال، می‌خواهم خاطره‌ای را نیز یادآوری کنم: سه تن از دوستانم از من تقاضا کردند که از نانواپی چند قرص نان خریداری کنم. من شرط گذاشتم که بگذارید واکنش مردم و نانوا را در عدم استفاده از ماسک بدانیم. دوستانم به سختی قبول کردند. من در صفا با در نظر داشت فاصله تعیین‌شده قرار گرفتم. مردم به صف افزوده می‌شدند. همه با نگاه قهرآلود به سوی من می‌دیدند، گویا دشمنی دیرینه‌ای با من داشته باشند؛ اما سر سخن را باز نمی‌کردند. بعد از ده نفر، نوبت به من رسید. صاحب نانواپی صدا زد: «تا زمانی که ماسک‌تان را در بینی و دهان خویش بسته نکنید»، از نان دادن معذرت می‌خواهد. همه، یک‌صدا از این برخورد توزیع‌کننده نان حمایت کردند و من که نخواستم هویت خویش را افشا کنم، بدون سروصدا برگشتم به قطار و ماسک خود را استفاده کردم تا از اخذ

در شهر به چشم می‌خورد. با آن هم، زمانی که داخل موتر می‌شدیم، دو نفر اجازه ورود داشتند. اطراف راننده با خیمه کوچک پلاستیکی پوشیده شده بود، ضد عفونی‌کننده نیز کنارش بود و اولین تقاضای راننده نیز این بود که ماسک‌تان را استفاده و فاصله را مراعات کنید.

من که هدفم رسیدن به خیابان انقلاب بود تا از آن‌جا چند جلد کتاب مورد ضرورت‌م را خریداری کنم، با دکان‌های بسته روبه‌رو شدم. مقابل هر دکان یک فرد با تدابیر لازم ایستاده بود و تنها همکاری‌اش این بود که به ما می‌گفت به شکل آنلاین کتاب مورد نظر خویش را خریداری کنید. کارت رهنمایی دکانش را به مراجعه‌کننده‌گان هدیه می‌داد و اگر نزدیک دکان نیمه‌بسته هم می‌شدیم، واکنش جدی نشان می‌داد؛ چون از جریمه شدن توسط پولیس ترس داشت. گذشته از این، رعایت توصیه وزارت بهداشت/صحت توسط مردم به شکل عمومی این ملاحظه را نشان می‌داد

قتل فرهاد و بستن شاهراه؛ ماجرای از چه قرار است؟



شایق قاسمی

د سمندر خان، پدر مقتول، میگوید برای بررسی قتل پسر جوان دیگرش که چندی پیش به قتل رسیده بود، دروازه همه نهادهای دولتی به شمول نهادهای امنیتی را زده است و چندین عریضه در نهادهای عدلی و قضایی دارد، اما کسی به فریادش نرسیده و پاسخ قناعتبخشی از ایه نکرده است. او میافزاید که به همین دلیل جز مسدود کردن راه، چاره‌ای برایش نمانده تا دولت به خواست‌هایش توجه کند.

پس از آن که روز شنبه، ۱۵ جوزا، فرهاد ۲۲ ساله در منطقه مناره ولسوالی جبل‌السراج ولایت پروان از سوی نورمحمد سکندر، مشاور شورای عالی مصالحه ملی، به قتل رسید، خانواده و اقارب این پسر صبح روز یکشنبه با حمل جسد او به چهارراه ولسوالی جبل‌السراج، شاهراه کابل - شمال را به رسم اعتراض بستند و خواهان بازداشت آقای سکندر شدند. مسوولان محلی هرچند برای فروکش کردن خشم مردم خانه نور سکندر را محاصره و شماری از افراد او را بازداشت کردند، اما معترضان بر بازداشت شخص نورمحمد سکندر تاکید کرده و به اعتراضاتشان ادامه دادند.

پس از آن که اعتراض شکل گرفت، شاهراه برای ۲۴ ساعت به روی تردد موترهای خرد و کلان بسته شد، هرچند گزارشگر ۸صبح میگوید که استثنائاتی وجود داشت و به مریضان و شماری از مسافران که مشکلات جدی داشتند، اجازه تردد داده شد.

حادثه چگونه اتفاق افتاد و جنجال از کجا آغاز شد؟

سمندر خان، پدر فرهاد، که میگوید پسرش از سوی

نورمحمد سکندر به قتل رسیده، به روزنامه ۸صبح گفت این دومین پسرش است که توسط نور سکندر و حلقات وابسته به او کشته می‌شود. به گفته او، در تازه‌ترین مورد، نور سکندر پسر جوان وی را در محضر عام و بدون هیچ گناهی به قتل رسانده است. او افزود: «پسر فرهاد با جمعی از رفقا و هم‌سن‌وسال‌هایش در کوچه می‌باشند. در همین دقایق نور سکندر با محافظانش به ساحه می‌رسند و پسر را صدا می‌زند که باز تو در کوچه و سرک مناره چه کار می‌کنی. وقتی پسر با مشاور شورای عالی مصالحه مشاجره می‌کند و در مقابلش ایستاد می‌شود، به محافظانش صدا می‌زند که بزنیدش، اما محافظان او فیر نمی‌کنند. بعد خود نور سکندر دست به سلاح بادیگارد‌های خود برده و با فیر چند مرمی پسر جوان را به شهادت می‌رساند». نورمحمد سکندر، مشاور شورای عالی مصالحه ملی، اما می‌گوید که این پسر جوان قصد ترور وی را داشت و پس از تیراندازی از سوی محافظانش از پا درآمده است.

محمدهاش رووفی، ولسوال جبل‌السراج، در گفت‌وگو با روزنامه ۸صبح در پاسخ به این سوال که آیا این قتل از سوی خود نور سکندر صورت گرفته یا از سوی محافظانش، می‌گوید که ادعای خانواده به شمول مادر و پدر این پسر جوان بالای شخص نور سکندر است، اما در مورد این که آیا چنین ادعایی واقعیت دارد یا خیر، پولیس تحقیقات خود را آغاز کرده است. به گفته وی نیروهای پولیس برای بازداشت نور سکندر اقدام کردند، اما موفق به بازداشت او نشدند؛ ولی چند تن به شمول محافظان آقای نور سکندر را از خانهاش هنگام بازرسی بازداشت کرده‌اند. ولسوال جبل‌السراج گفت: «پولیس در تعقیب است و چه امروز و چه فردا نور سکندر را بازداشت خواهد کرد؛ چون علیه این فرمانده جهادی و مشاور شورای عالی مصالحه ملی ادعای مستقیم وجود دارد».

دشواری‌های مسافران گیرمانده

سمندر خان، پدر مقتول، می‌گوید برای بررسی قتل پسر جوان دیگرش که چندی پیش به قتل رسیده بود، دروازه همه نهادهای دولتی به شمول نهادهای امنیتی را زده است و چندین عریضه در نهادهای عدلی و قضایی دارد، اما کسی به فریادش نرسیده و پاسخ قناعتبخشی از ایه نکرده است. او می‌افزاید که به همین دلیل جز مسدود کردن راه، چاره‌ای برایش نمانده تا دولت به خواست‌هایش توجه کند.

او به روزنامه ۸صبح می‌گوید که درد مسافران گیرمانده در مسیر را درک می‌کند، اما برای او از دست دادن



پسرش درد بزرگی است که هیچ مرهمی ندارد. در حالی که مسافران یک‌شنبه‌شب پس از مسدود شدن راه حرف‌ها و مشکلات زیادی را مطرح کردند و گفتند که در این مسیر خانمی ولادت کرده و دو تن دیگر جان داده‌اند، اما سمندر که معترضان را رهبری می‌کرد، این ادعاها را رد می‌کند و می‌گوید که آن‌ها به بسیاری از مسافران به ویژه بزرگسالان، مریض‌داران و کسانی که جنازه حمل می‌کردند، اجازه داده است تا از راه‌بندان عبور کنند. محمدهاش رووفی، ولسوال جبل‌السراج، نیز می‌گوید که در این تظاهرات به کسی آسیب جانی و مالی نرسیده است.

اقدامات بی‌نتیجه مقام‌های محلی

فضل‌الدین عیار، والی پروان، به روزنامه ۸صبح گفت که مردم هیچ دلیلی برای مسدود کردن راه ندارند، چون پولیس این ولایت اقدام و چند تن از افراد نورمحمد سکندر، مشاور شورای عالی مصالحه ملی را بازداشت کرده است. به گفته وی، این که نور سکندر در این قضیه دست دارد یا نه، پولیس باید تحقیقات خود را انجام دهد تا روشن شود که اصل موضوع از چه قرار است.

والی پروان گفت: «پولیس رفت خانه نور سکندر را بررسی کرد و می‌خواست بازداشتش کند، اما تنها چند میل سلاح به دست نیروهای ما افتاد، اما نور سکندر در خانه‌هایش واقع در جبل‌السراج حضور نداشت».

از سوی دیگر ولسوال جبل‌السراج، فرمانده پولیس پروان، آمر امنیت و رییس امنیت ملی پروان، با شماری از نماینده‌گان مردم در پارلمان، برای فروکش کردن خشم مردم به ولسوالی جبل‌السراج رفتند، اما تظاهرات کنندگان هم‌چنان بر خواست‌شان مبنی بر بازداشت نور سکندر تاکید کردند و تلاش‌های این مقام‌ها بی‌نتیجه ماند.

به گزارش خبرنگار روزنامه ۸صبح، شب‌هنگام انبوهی از مسافران که در دو طرف تظاهرات گیر مانده بودند، با سرنوشت نامعلومی روبه‌رو بودند و انتظار باز شدن راه را می‌کشیدند. این وضعیت تا صبح ادامه یافت. صبح وقتی خبر رسید که پولیس برای بازداشت نور سکندر

اقدام کرده است، خشم معترضان فروکش کرد و آن‌ها با توجه به خواست مسوولان و اقدام نیروهای پولیس، راه را باز کردند.

قضایای مشابه

مردم و باشندگان پروان می‌گویند که مسدود کردن راه در پی قتل‌های هدفمند در جبل‌السراج، تازه‌گی ندارد و این چندمین بار است که باشندگان این ولسوالی در واکنش به کشته شدن افراد دست به تظاهرات زده و شاهراه را به روی مردم و مسافران مسدود می‌کنند.

این اعتراضات و مسدود شدن شاهراه کابل - شمال همواره برای مسافران دردسرساز بوده و آن‌ها بار سنگین تمام این اعتراضات را تحمل کرده‌اند.

آیا نیروهای امنیتی قادر به بازداشت نور سکندر شدند؟

یک منبع معتبر امنیتی در ولایت پروان به روزنامه ۸صبح می‌گوید که محمدشرف غنی، رییس جمهور کشور، پس از گسترش مشکلات در شاهراه کابل - شمال دستور بازداشت سریع نورمحمد سکندر، مشاور شورای عالی مصالحه ملی را صادر کرد. منابع دیگر اما می‌گویند که نیروهای امنیتی پروان نه قادر به بازداشت نور سکندر هستند و نه هم توانستند او را بازداشت کنند، بلکه تنها برای نمایش کارهایی را انجام دادند.

چالش‌ها و نگرانی‌ها از وضعیت امنیتی پروان تا کشته شدن غیرنظامیان از سوی مقام‌های دولتی، گروه طالبان و افراد مسلح غیرمسوول در این ولایت، همواره سبب نگرانی باشندگان این ولایت شده است. اخیراً منابع مسوول گزارش داده‌اند که حداقل طی یک ماه گذشته ۴۰ تن از نیروهای دولتی و غیردولتی در نتیجه رویدادهای ضد امنیت و خشونت‌ها کشته شده‌اند.

با این‌همه شهروندان و فعالان مدنی در پروان تاکید بر بازداشت گروه‌های مسلح غیرمسوول دارند و از مسوولان نهادهای امنیتی در این ولایت می‌خواهند که در تطبیق قانون بی‌طرفانه عمل کنند.

پاسخ سفارت ایران در کابل به گزارش روزنامه ۸صبح

جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست. نماینده‌گی‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران در افغانستان و سایر کشورها صرفاً مجری سیاست‌های ابلاغی از مرکز خود (پایتخت سیاسی) می‌باشند. ولی با این حال این نماینده‌گی تمام توان خویش را به کار بسته تا همواره علی‌رغم محدودیت‌های کرونایی، شرایط بهتر و راحت‌تری برای تسهیل عبور و مرور و ارزان‌تر مسافران و مهمانان عزیز افغانستانی به عمل آورد.

۴. سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران در هرات از گذشته تا کنون حداکثر تلاش خود را برای آرایه خدمات مطلوب و موثر در بخش‌های مختلف به اتباع محترم افغانستانی در حوزه غرب در دستور کار خود داشته است. در آخرین اقدام، مشکلات مورد اشاره، در ملاقات اخیر مقامات وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران با اداره محلی هرات مطرح و در حال پی‌گیری است. با این حال هرگونه بازنگری در دستورالعمل‌های مربوط به صدور روایید در حیطه اختیارات تهران است، ولی با این حال و با وجود محدودیت امکانات در مرزها و گسترش ویروس کووید-۱۹ و خصوصاً کرونایی خطرناک هندی، نماینده‌گی جمهوری اسلامی در هرات نهایت اهمیت خود را به کار گرفته تا بهترین و کامل‌ترین خدمات برای تردد زائران و مسافران عزیز افغانی فراهم گردد.

صفحه در اسرع وقت منتشر کنید.

۱. مشکلات مطرح شده در خصوص افزایش چشم‌گیر تقاضا برای بلیط هوایی (تکت)، سوءاستفاده افراد سودجو و زورمند از این شرایط و سایر موضوعات پراکنده مطرح شده در این گزارش، هیچ ارتباطی با این نماینده‌گی نداشته، ضمن رد اتهامات وارده در متن گزارش فوق درخواست دارد استنادات مکتوب و رسمی خود را در این خصوص آرایه نمایند. بدیهی است با تاکید بر سیاست این نماینده‌گی مبنی بر تعامل سازنده با رسانه‌ها براساس بند ۴ ماده هفتم قانون مطبوعات، استیفای حق و اعاده حیثیت برای این نماینده‌گی محفوظ است.

۲. ادعای نویسنده گزارش، در خصوص عدم پاسخگویی این نماینده‌گی، کذب محض و دروغ بوده و هیچ نامه و درخواستی رسمی به این نماینده‌گی برای مصاحبه با مسوولان این مرکز سیاسی در خصوص موضوع فوق واصل نشده است. درخواست مصاحبه از یک نماینده‌گی خارجی سیاسی ضوابط و مقرراتی دارد که در این صورت آماده پاسخگویی به سوالات و درخواست‌های همه رسانه‌ها در موضوعات مختلف مرتبط خواهد بود.

۳. بسته و باز بودن مرزهای زمینی و هوایی، نوع و چگونه‌گی مدارک درخواستی از اتباع خارجی، حق قانونی و حاکمیتی یک کشور بوده که

اصول و ارزش‌های روزنامه‌نگاری استوار است و بدون هیچ‌گونه جانب‌داری یا دشمنی با افراد و نهادهای دولتی و غیردولتی در افغانستان، تنها کاستی‌ها، چالش‌ها، مشکلات و شکایت‌های مردم از نابه‌سامانی‌های موجود را بر مبنای اصول و ارزش‌های روزنامه‌نگاری بازتاب می‌دهد. هم‌چنان فعالیت رسانه‌های آزاد و آزادی بیان از دستاوردهای مهم افغانستان طی چند سال اخیر است و روزنامه‌ها به دلیل نشر گزارش‌های انتقادی توقیف یا مسدود نمی‌شود.

جوابیه سفارت ایران در کابل به گزارش «کرونا؛ فروش تکت هرات - مشهد مافیایی شده است»

به نام خدا
جناب آقای مجیب مهرداد، مدیر مسوول محترم روزنامه ۸صبح
با سلام
احتراماً رسانه تحت مدیریت جناب عالی در روز شنبه، ۱۵ خرداد (جوزا) گزارشی را با عنوان «کرونا؛ فروش تکت هرات - مشهد مافیایی شده است» منتشر کرده که در بخش‌هایی از آن اتهامات بی‌اساس، ناروا و فاقد استناد به سرکنسولگری ج.ا.ا. در هرات وارد نموده است. مقتضی است براساس قانون مطبوعات افغانستان پاسخ این نماینده‌گی را به شرح ذیل عیناً در همان

یادداشت: روزنامه ۸صبح در پانزدهم جوزای سال روان در گزارشی با عنوان «کرونا؛ فروش تکت هرات - مشهد مافیایی شده است»، به شکایت‌های مردم از وضعیت نابه‌سامان بازار فروش تکت هوایی هرات - مشهد و مشکلات ناشی از مسدود شدن مرزهای زمینی ایران با افغانستان پرداخت. هرچند براساس اصول روزنامه‌نگاری، از بخش مطبوعاتی سرکنسولگری ایران در هرات خواسته شده بود تا موقف این نماینده‌گی سیاسی را در پیوند به شکایت‌های مطرح شده مردم در گزارش بیان کند، اما از سوی مقام‌های سرکنسولگری ایران هیچ پاسخی آرایه نشد. پس از نشر گزارش، سفارت ایران در کابل با ارسال نامه‌ای نسبت به این گزارش واکنش نشان داده است. روزنامه ۸صبح با آن‌که به سرکنسولگری ایران در هرات هنگام نوشتن گزارش فرصت پاسخ‌گویی داده است و نیاز نمی‌بیند که به این مورد بپردازد، اما صرف به دلیل توازن و احترام به قوانین افغانستان، دیدگاه سفارت این کشور را نشر می‌کند. هرچند انتظار می‌رفت سفارت ایران در کابل علاوه بر انتقادات، به مشکلات، شکایت‌ها و پرسش‌های مطرح شده در گزارش پاسخ واضح آرایه کند، اما در پیوند به برخی پرسش‌های مطرح شده پاسخ داده نشده است. باید گفت که فعالیت روزنامه ۸صبح براساس

گذار از توافق اول و بن بست در توافق دوم؛ اشتباهاتی که بن بست آفرید

♦ خان محمد نویسا

در توافق نامه امریکا و طالبان تحت رهبری رییس جمهور ترمپ، واقعیت‌های سیاسی جامعه افغانستان کم‌تر انعکاس یافته بود. طرح خروج سربازان امریکایی از افغانستان که در توافق نامه، اول ماه می ۲۰۲۱ ذکر شده بود، براساس بررسی‌های تیم موظف اداره رییس جمهور بایدن چهار ماه به تعویق افتاد که نشان‌دهنده مشکلات در تطبیق این بخش از توافق نامه بود. تصمیم رییس جمهور ترمپ در مورد خروج زودهنگام نیروهای امریکایی از افغانستان، باعث شد که نگرانی از یک بحران سیاسی در میان شهروندان این کشور افزایش یابد و گراف امیدواری طالبان نسبت به تسلط بر قدرت سیاسی از طریق نظامی را هم چنان بالا ببرد. طالبان با وجودی که در تطبیق مواد توافق نامه با امریکا چندان متعهد نماندند و خشونت‌ها را بعد از این توافق کاهش ندادند، اما هم چنان با تاکید بر زمان خروج نیروهای امریکایی از افغانستان براساس توافق نامه، نشست استانبول را که در ۲۴ اپریل ۲۰۲۱ برگزار می‌شد، تحریم کردند و این نشست تا زمان نامعین به تعویق افتاد. هر چند ابعاد تاریک و مبهم پروسه صلح افغانستان هنوز باقی است و راه درازی برای رسیدن به صلح در افغانستان پیش رو قرار دارد، اما این مقاله نقاطی را برجسته می‌کند که نویسنده آن را به حیث اشتباه در جریان مذاکرات مرتبط با پروسه صلح افغانستان دریافته است.

آزادی ۵۵۰۰ زندانی طالبان از سوی دولت افغانستان یک اشتباه بود که متأسفانه به وقوع پیوست. آزاد شدن این جمع کلان از اعضای گروه طالبان، برای این گروه غرور کاذب خلق کرد و آن‌ها خود را در برابر بزرگ‌ترین نیروهای نظامی جهان برنده احساس کردند و تبلیغات استخباراتی در درون این گروه هم آن‌ها را عوامل شکست امریکا تعریف می‌کردند. بسیاری از زندانی‌های رها شده طالبان با افتخار ویدیوهای‌شان را در شبکه‌های اجتماعی نشر می‌کردند و از پیروزی ایدیولوژیک اسلامی در برابر امریکا و دولت افغانستان سخن می‌گفتند. بسیاری از این رها شده‌ها، بنیادگرایان اسلامی با گرایش القاعده و سایر گروه‌های تروریستی بودند که بعد از رهایی‌شان دوباره به صفوف جنگ علیه دولت افغانستان پیوستند و به جبهات قبلی‌شان برگشتند. آن‌ها نه تنها برای افغانستان مشکل‌ساز شده‌بل از لحاظ ایدیولوژیک ظرفیت بالقوه‌ای برای تهدید جهانی را نیز در خود دارند. رهایی آن‌ها نه تنها به کاهش خشونت کمک نکرد، بلکه صفوف طالبان طولانی‌تر شد و انگیزه اعضای گروه طالبان بر پیروزی جنگ ایدیولوژیک‌شان را قوی‌تر ساخت.

توافق با طالبان به شکلی که اداره ترمپ امضا کرده، نه تنها به پیروزی یک‌طرفه طالبان می‌انجامد، بل می‌تواند انگیزه قوی را برای دیگر گروه‌های تروریستی جهت پیروزی‌شان از طریق ایجاد خشونت مخابره کند که تهدیدات بیش‌تر تروریستی را برای آینده افغانستان و جهان با خود خواهد داشت. این رهایی توانست تسهیل‌کننده روند مذاکرات بین‌افغانی در دو هه باشد و در نوع برخورد طالبان با دولت هیچ نوع تغییرات قابل مشاهده‌ای ایجاد نشد. حال، طالبان از امریکا خواسته‌اند که متباقی ۷۰۰۰ زندانی‌شان نیز از زندان‌های افغانستان رهایی یابند تا در نشست ترکیه اشتراک کنند. این گروه علاوه بر این‌که نشست استانبول را مرتبط به خارج ساختن نام بعضی از رهبران‌شان از لیست سیاه می‌داند، تاکید می‌کند که رهایی کامل زندانی‌های این گروه بخشی از توافقی است که با امریکا صورت گرفته است. حال سوال اساسی این است که آیا رهایی کامل زندانی‌های طالبان کمکی به نشست‌های مذاکرات ملی و بین‌المللی صلح افغانستان می‌کند یا خیر؟ شواهد اما بر عملی‌سازی تعهدات از سوی طالبان هم چنان مثبت نیست.

عجله اداره ترمپ برای رسیدن سریع به توافق با طالبان، بخشی دیگر از اشتباهاتی بود که به وقوع پیوست. عجله امریکا و تعیین تاریخ خروج نیروهایش از افغانستان، اطمینان جدی در جبهه طالبان جهت پیروزی از راه نظامی را ایجاد کرد. طالبان با در نظر داشت شرایط خروج نیروهای امریکایی، مخابره‌های نویدبخش سریع پیروزی را برای جنگ‌جویان‌شان در جبهات جنگ انتقال می‌دادند. البته این تجربه اول از تعیین زمان خروج نیروهای امریکایی از افغانستان نبود، بل باری در سال ۲۰۱۴

رییس جمهور اوباما نیز خروج نیروهای امریکایی از افغانستان را اعلام کرد که باعث ایجاد امید پیروزی و انسجام بیش‌تر جبهات جنگ طالبان شد. اشتباه ۲۰۱۴ یک بار دیگر در سال ۲۰۲۰ تکرار شد که باعث غرور کاذب طالبان شد و اعتمادشان بر پیروزی از راه نظامی را قوی‌تر ساخت. با درک شرایطی که اداره ترمپ برای طالبان به وجود آورد، طالبان تا حدی پیش رفتند که حتا نماینده‌های مذاکره‌کننده صلح افغانستان در قطر را جدی نگرفتند و هیچ‌گاهی فراتر از تشریفات نوع برگزاری جلسه، با آن‌ها وارد گفت‌وگو نشدند، تا این‌که مذاکرات در دوحه به بن‌بست رسید و سرنوشت مذاکرات صلح افغانستان هم چنان پادروها ماند. اکنون طالبان برعکس جبهات جنگی‌شان را تجهیز کرده و حملات‌شان را افزایش داده‌اند.

مساله دیگر، بزرگ‌نمایی طالبان توسط اداره ترمپ بود که توسط شخص رییس جمهور ترمپ نشانه رفت. ترمپ در یکی از سخنانش نسبت به جنگ افغانستان گفت: «ما می‌توانیم این جنگ را با کشتن ده میلیون انسان افغانستانی به پایان برسانیم». این یک اشاره دیپلماتیک از سوی رییس جمهور ترمپ نسبت به طالبان بود که عقیده ده میلیونی طالبان را نشان می‌داد. این یک بزرگ‌نمایی غیرقابل پیش‌بینی از طالبان بود که مبنای واقعی نداشت و هیچ نهاد تحقیقاتی تا هنوز صحت این ادعا را تایید نکرده است. طالبان با این نوع رفتارهای جهانی در برابرشان، خود را در موقعیت برتر نظامی یافتند و با برداشت‌شان از وضعیت شکننده امنیتی دولت افغانستان، از کنار تمام واقعیت‌های سیاسی افغانستان تا اکنون بی‌اعتنا گذشته‌اند. این بی‌اعتنایی را در گفت‌وگوهای بین‌افغانی به صورت واضح می‌توان دید. اما گزارش‌های واقعی استخباراتی و رسانه‌ای نشان می‌دهد که تعداد جنگ‌جویان این گروه در میان ۵۰ تا ۶۰ هزار تن در نوسان است که بسته‌گی به شرایط و تلفات جنگی در میدان جنگ دارد.

مساله جدی دیگر که نسبت به گروه طالبان به عنوان یک خوش‌بینی مطلق در جریان مذاکرات امریکا و طالبان نگاه شده است، متحد بودن طالبان به عنوان یک گروه بنیادگرا با ایدیولوژی اسلامی است. در حالی که گروهک‌های مختلف با دیدگاه‌ها و مقاصد مختلف به این گروه پیوسته‌اند و متحد بودن آن‌ها بسته‌گی به شرایطی دارد که بسیار هم می‌تواند شکننده باشد. بخشی از ساختار بدنه طالبان را ایدیولوژیست‌های بنیادگرای اسلامی تشکیل می‌دهند که باور بنیادگرایانه اسلامی دارند و برای آن می‌جنگند. آن‌ها باور دارند که افغانستان مورد تهاجم و اشغال کشورهای غیراسلامی قرار گرفته است و مکلفیت دینی دارند تا در برابر آن‌ها و نیروهای افغان که توسط آن‌ها تربیت شده‌اند، بجنگند. به باور این بخش از طالبان، اسلام در خطر است و آن‌ها تنها کسانی‌اند که می‌توانند آن را نجات بدهند. این بخش از طالبان در میان جنگ‌جویان این گروه در اقلیت‌اند، اما نقش مهم و اثرگذار آن‌ها در میدان جنگ و جذب نیروهای جدید، کلیدی و حیاتی است. بسیاری از اعضای این بخش از طالبان از مدرسه‌های بنیادگرای پاکستان می‌آیند و هم چنان تعدادی نیز از مدرسه‌های بنیادگرای تازه‌تاسیس در جغرافیای تحت کنترل طالبان در خاک افغانستان جذب این گروه می‌شوند. موفقیت گفت‌وگوهای صلح طالبان با دولت افغانستان، باعث انشعاب این بخش از بدنه طالبان خواهد شد. برداشت این بخش از طالبان به تمام مسایل ایدیولوژیک، بنیادگرا و تندروانه شبیه القاعده و دیگر گروه‌های تروریستی است. حمله‌کننده‌های انتحاری، موتربمب و سایر حملات خشن تلفات‌آور، بیش‌تر توسط این بخش طالبان یا جذب می‌شوند و یا هم از افراد شامل در این کته‌گوری‌اند. انشعاب این بخش از طالبان دو سناریو را قابل تصور می‌سازد؛ یا این گروه انشعابی با یکی از گروه‌های تروریستی فعال در منطقه می‌پیوندند و یا این‌که به نام طالبان صادق و یا هم تحت نامی جدید جنگ خویش را در برابر دولت ادامه می‌دهد. این بخش از طالبان راضی نمی‌شوند، مگر با ایجاد حکومت مطلق دینی مطابق با خوانش آن‌ها از دین.

تعدادی دیگر از این گروه که نمی‌توانند به پروسه صلح بپیوندند، جنگ‌جویان خارجی مستقر در افغانستان هستند که در محلات تحت کنترل طالبان مسکن گزیده‌اند و در جنگ‌ها با طالبان همکاری دارند. این جنگ‌جویان تعلیمات نظامی پیش‌رفته‌تری دارند و

در بسیاری از موارد تعلیمات و مشورت‌ها به اعضای جدید طالبان به آن‌ها سپرده می‌شود. آن‌ها به دلایل موانع و تهدیدات قانونی که در برابرشان قرار دارد، قادر به برگشت به کشورهای‌شان نیستند و هم چنان روابط بین‌المللی افغانستان با کشورهای منطقه، اجازه نمی‌دهد تا آن‌ها بعد از توافق صلح دولت با طالبان در این کشور حضور داشته باشند. این بنیادگرایان خارجی هر کدام برای کشورهای‌شان نظام سیاسی اسلامی می‌خواهند و تا تحقق آن به جنگ‌های‌شان ادامه می‌دهند و این مساله باعث طرد شدن آن‌ها از کشورهای‌شان شده است. آن‌ها از کشورهای آسیای میانه، عرب، چین و دیگر کشورهای همسایه برای یک جنگ ایدیولوژیک اسلامی و هم چنان پناه گرفتن از ترس گرفتاری توسط حکومت‌های‌شان به افغانستان آمده‌اند و برای طالبان می‌جنگند و با گروه‌های مختلف تروریستی در منطقه روابط دارند. این بخش از همکاران بین‌المللی طالبان هیچ راهی جز تداوم جنگ برای بقای‌شان در افغانستان ندارند. آن‌ها با باید کشته شوند و یا ساحه‌ای امن برای‌شان از طریق جنگ ایجاد کنند. اقلیت بودن آن‌ها در میان طالبان باعث می‌شود که نتوانند جنگ‌های‌شان را به صورت مستقل به پیش ببرند و به این دلیل آن‌ها در صورت توافق صلح طالبان با دولت، با سایر گروه‌های تروریستی فعال در منطقه یک‌جا خواهند شد.

بخشی دیگر از ساختار جنگ‌جویان طالبان را کسانی تشکیل می‌دهند که با فعالیت در این گروه منافع اقتصادی خود را جست‌وجو می‌کنند. آن‌ها نگاه تجارتي به عضویت در این گروه دارند و درآمد از مسیر قاچاق مواد مخدر، مواد معدنی و آثار باستانی با استفاده از نفوذشان در میان گروه طالبان جزو مهم‌ترین واقعیت‌هایی است که به این بخش از طالبان نسبت داده می‌شود. این تیم از جمله بزرگ‌ترین تمویل‌کننده‌های منابع مالی طالبان به شمار می‌رود. موفقیت طالبان در توافق صلح، خود بخشی از تهدیدات بالقوه برای منافع این بخش از اعضای طالبان شمرده می‌شود. این بزرگ‌ترین دلیل این اعضای طالبان برای حمایت نکردن از مذاکرات صلح با دولت است و آن‌ها فقط به منافع مالی‌شان از راه قاچاق می‌اندیشند.

علاوه بر آن‌چه از بدنه ساختار نظامی طالبان در بالا تذکر یافت، بخشی دیگر این گروه برای حفاظت از خود و خانواده‌های‌شان در یک رقابت قبیله‌ای به طالبان پیوسته‌اند. افغانستان جامعه‌ای با ساختار به شدت قبیله‌ای است و رقابت‌ها و خصومت‌های قبیله‌ای در اکثر موارد باعث درگیری‌های شدید میان قبیله‌ها می‌شود. طالبان به صورت دوام‌دار با استفاده از شکاف اجتماعی میان اقوام و قبیله‌ها، سربازگیری کرده‌اند. آن‌ها در اکثر موارد توانسته‌اند با حمایت از یکی از طرف‌های درگیر، نفوذشان را در ساحه افزایش بدهند. این گروه از بدنه طالبان تا اطمینان لازم جهت حفاظت از آن‌ها در رقابت‌های قبیله‌ای‌شان به دست نیاورند، پیوستن‌شان به پروسه صلح دشوار به نظر می‌رسد.

بعضی دیگر از جنگ‌جویان این گروه به دلیل کسب معاش ماهانه از سوی طالبان، برای این گروه می‌جنگند که با توافق پروسه صلح و جذب شدن آن‌ها در صفوف نیروهای امنیتی، می‌توانند دست از خشونت‌های تروریستی بکشند. بخشی دیگر از جنگ‌جویان این گروه را کسانی تشکیل می‌دهند که براساس اجبار برای طالبان می‌جنگند. طالبان زمانی که قریه و یا محلی را تصرف می‌کنند، مردم محل را به سرباز دادن مجبور می‌سازند و این بخش، از اولین داوطلبان خواهند بود که در صورت توافق صلح طالبان با دولت، اسلحه خویش را بر زمین می‌گذارند. با توجه به آن‌چه از ساختار بدنه طالبان تذکر رفت، پیوستن یک‌دست این گروه به پروسه صلح کار دشوار



به نظر می‌رسد و تصور از موضع واحد آن‌ها نسبت به صلح افغانستان هم خیلی خوش‌بینانه و دور از واقعیت است.

از جهت دیگر، تعهدات پاکستان نسبت به مبارزه در برابر تروریسم، بر جنگ افغانستان تأثیرات بنیادی دارد. امروز اکثر کشورهای دور و نزدیک پاکستان را به حمایت و پناه دادن به گروه‌های تروریستی متهم می‌کنند؛ اما این کشور با استفاده از گروه‌های تروریستی، استراتژی‌های امنیتی خود در منطقه را دنبال می‌کند. رهبران بسیاری از گروه‌های تروریستی فعال در منطقه در شهرهای بلوچستان، پشاور و کراچی پاکستان به صورت آزاد و بدون کوچک‌ترین ترس رفت‌وآمد دارند. اسامه بن لادن، رهبر القاعده، در یک ساحه محافظت شده امنیتی در پاکستان در ماه می سال ۲۰۱۱ میلادی کشته شد و اخترمحمد منصور، رهبر پیشین طالبان، در این کشور مورد هدف نیروهای امریکایی قرار گرفت و جان داد. آن‌ها اگر توسط نیروهای امریکایی هدف قرار نمی‌گرفتند، ممکن تا اکنون جدی‌ترین حملات تروریستی در جهان را رهبری می‌کردند. به دلیل حمایت پاکستان از گروه‌های تروریستی، اداره ترمپ این مساله را در استراتژی امنیت ملی خویش که در دسامبر ۲۰۱۷ منتشر شد، در بخش جنوب آسیا به صورت واضح انعکاس داد و بعد کمک ۳۰۰ میلیون دالری نظامی کشورش به پاکستان را در سپتامبر ۲۰۱۸ تعلیق کرد. با وجود تمام این فشارهایی که بر پاکستان وارد شد، این کشور به حمایت از فعالیت گروه‌های تروریستی در خاکش ادامه داد و مدرسه‌های مذهبی بنیادگرا هنوز در خاک این کشور انتحاری تولید می‌کند.

به تازه‌گی طالبان بعضی مدارس دینی بنیادگرا را در خاک افغانستان - در قلمرو تحت کنترل طالبان - ایجاد کرده است. هدف پاکستان از انتقال چنین مدارس به افغانستان این است که فشارهای بین‌المللی به دلیل فعالیت مدارس تروریست‌پرور در خاک پاکستان بر این کشور را کم‌تر بسازد. هدف دوم که با ساختن این‌گونه مدارس دنبال می‌شود، جذب آسان‌تر کودکان است که در این اواخر رفتن‌شان به این مدارس در پاکستان کاهش یافته است. موجودیت دولت با اقتدار در افغانستان تا زمانی برای پاکستان غیر قابل تحمل است که مشکل خط مرزی دیورند میان دو کشور به صورت بنیادی حل شود. مشکل خط دیورند بارها میان رهبران دو کشور مورد بحث قرار گرفته و پاکستان آن را به عنوان تهدید استراتژیک در برابر امنیت ملی خود تعریف کرده است. به صورت خلاصه استراتژی امنیتی پاکستان حمایت از جنگ گروه‌های تروریستی در افغانستان است. حتا بعد از توافق صلح طالبان با دولت افغانستان نیز پاکستان بدیل‌های جدی برای طالبان در میان دیگر گروه‌های تروریستی دارند تا جنگ خاتمه‌یافته طالبان را در این کشور ادامه بدهند. با نگاه بنیادی به عوامل تداوم جنگ در افغانستان، ختم جنگ در کشور نیازمند بحث بنیادی برای حل مشکل خط مرزی دیورند است.

در یک نتیجه‌گیری می‌توان گفت که مذاکرات صلح اداره رییس جمهور ترمپ با طالبان مطابق به واقعیت‌های جنگ مبنی بر اطلاعات دقیق استخباراتی نبود. مذاکرات ۱۸ ماهه امریکا و طالبان انگیزه جدی برای این گروه خلق کرد. شکل‌گیری این غرور کاذب برای طالبان که تا حدی قابل فهم هم است، باعث شد تا در مذاکرات بعدی که نماینده‌هایی از افغانستان اشتراک داشتند، از سوی طالبان جدی گرفته نشود که تا اکنون بعد از ۱۵ ماه هنوز بن‌بست در مذاکرات به صورت واضح قابل رویت است و گراف خشونت‌ها از سوی طالبان هم چنان در حال اوج‌گیری است. قابل پیش‌بینی است که طالبان انتظار خروج کامل نیروهای خارجی و تنها ماندن نیروهای امنیتی افغانستان در میدان جنگ را می‌کنند.

بامیان؛

ولایتی با جاذبه‌های گردشگری فراوان و مردمان فقیر

منظره‌های طبیعی و بناهای تاریخی بامیان سبب شده است که جلوه‌های نامطلوب این ولایت از چشم گردشگران داخلی و خارجی بماند. گردشگران خارجی و داخلی که در فصل تابستان وارد بامیان می‌شوند، بیش‌تر از مجسمه‌های عظیم و تاریخی بودا، بند امیر، دره فولادی و شهر غلغله دیدار می‌کنند و کم‌تر اتفاق می‌افتد که نیم‌نگاهی به وضعیت اسفبار خانواده‌های فقیر و مغارنشین گرسنه بیندازند. در ولایت بامیان، هنوز سرمایه‌گذاری‌ها روی صنعت گردشگری و عواید قابل توجهی که از این ناحیه به دست می‌آید، نتوانسته است در بهبود کار و زنده‌گی مردم کمک کند. فقر، گرسنگی و بیکاری از مشکلات عمده ساکنان این ولایت است و گفته می‌شود که حدود نیمی از جمعیت بامیان، زیر خط فقر زندگی می‌کنند. پرسش این است که به رغم رشد صنعت گردشگری، چرا تغییری در کیفیت زندگی ساکنان این ولایت دیده نمی‌شود؟



احمدشاه کهزاد



برق شهری دسترسی ندارند؛ در حالی که بیشتر دره‌های این ولایت ظرفیت تولید برق آبی را دارد. افزون بر این‌ها، نبود امکانات صحتی و آموزشی از دیگر مواردی است که زندگی را به کام مردمان این ولایت تلخ کرده است. امکانات صحتی و سهولت‌های آموزشی در ولسوالی‌ها ناچیز است؛ کلینیک‌هایی که در ولسوالی‌ها فعالیت می‌کنند با امکانات محدودی که در اختیار دارند، نمی‌توانند پاسخ‌گوی مشکلات مردم ده و قریه باشند. فقدان امکانات آموزشی و نبود معلمان مسلکی باعث شده است که شمار بزرگی از فرزندان این مردم از نعمت سواد محروم بمانند. متأسفانه این چالش‌ها و نبود برق باعث فقر و تنگ‌دستی روزافزون بسیاری از خانواده‌ها و خصوصاً مغارنشین‌ها شده است.

با توجه به مشکلاتی که وصف آن رفت و هم‌چنان با درنظرداشت رشد و توسعه صنعت گردشگری در کشورهای در حال توسعه و تأثیر اقتصادی آن بر زنده‌گی مردم، انتظاری که از حکومت مرکزی می‌رود، این است که حداقل به منظور رشد صنعت گردشگری و تشویق تاجران برای سرمایه‌گذاری در این ولایت، اصل انکشاف متوازن را رعایت کند و به منظور رفع ضرورت‌های اولیه این مردم، بودجه مشخصی را در نظر بگیرد. نیاز است که حکومت محلی بامیان برای بهبود زنده‌گی مغارنشینان گام‌های عملی بردارد. در صورت توجه کافی حکومت به سکتور زراعت که گفته می‌شود نزدیک به ۸۰ درصد مردم ولایت بامیان مصروف زراعت هستند و هم‌چنان تمرکز و توجه به صنعت گردشگری در این ولایت با توجه به عواید کلانی که از این ناحیه به دست می‌آید، بخش بزرگی از مشکلات و ناهنجاری‌های مردم بامیان برطرف خواهد شد و نرخ فقر و تنگ‌دستی در این ولایت به حداقل خواهد رسید.

در صورت توجه لازم حکومت مرکزی به حکومت محلی بامیان، چالش‌های فراروی صنعت گردشگری این ولایت از میان برداشته و این صنعت به منبع عایداتی پایدار برای رشد ولایت بامیان تبدیل خواهد شد. نیاز است تا مسوولان درجه‌یک حکومت در راستای حل چالش‌ها و مشکلات این ولایت محروم توجه کنند. اکنون ناامن بودن راه‌های منتهی به بامیان و نبود خواب‌گاه‌های مناسب و هتل‌های معیاری در بخش‌های توریستی این ولایت، از جدی‌ترین چالش‌های فراروی صنعت گردشگری در بامیان به شمار می‌رود. نبود برق مشکل دیگری است که باید برطرف شود. به جز راه مواصلاتی ولسوالی یکاولنگ، راه‌های دیگر ولسوالی‌ها بازسازی نشده است. خانواده‌های زیادی در شهر بامیان به

می‌زند، برای ولایت امنی چون بامیان، بودجه‌ای که بتواند بخش کوچکی از ضروریات اولیه مردم را رفع کند، اختصاص نمی‌دهد و اگر بودجه‌ای به این ولایت اختصاص داده می‌شود هم در امور غیرضروری به مصرف می‌رسد که در آخرین مورد درنظرگرفتن ۹۵ میلیون افغانی به منظور بازسازی یک مقبره، سروصداهای زیادی را در شبکه‌های اجتماعی به همراه داشت. افزون بر این، حکومت محلی و ادارات دولتی ولایت بامیان از دیر زمانی به این‌سو به میدان رقابت احزاب سیاسی و جهادی تبدیل شده است و مسوولان بخش‌های مهم و کلیدی براساس روابط حزبی تعیین می‌شوند. این امر سبب شده است که مسوولان محلی بیش‌تر درگیر رقابت‌های حزبی باشند تا حل چالش‌ها و مشکلات مردم.

منظره‌های طبیعی و بناهای تاریخی بامیان سبب شده است که جلوه‌های نامطلوب این ولایت از چشم گردشگران داخلی و خارجی بماند. گردشگران خارجی و داخلی که در فصل تابستان وارد بامیان می‌شوند، بیش‌تر از مجسمه‌های عظیم و تاریخی بودا، بند امیر، دره فولادی و شهر غلغله دیدار می‌کنند و کم‌تر اتفاق می‌افتد که نیم‌نگاهی به وضعیت اسفبار خانواده‌های فقیر و مغارنشین گرسنه بیندازند. در ولایت بامیان، هنوز سرمایه‌گذاری‌ها روی صنعت گردشگری و عواید قابل توجهی که از این ناحیه به دست می‌آید، نتوانسته است در بهبود کار و زنده‌گی مردم کمک کند. فقر، گرسنگی و بیکاری از مشکلات عمده ساکنان این ولایت است و گفته می‌شود که حدود نیمی از جمعیت بامیان، زیر خط فقر زندگی می‌کنند. پرسش این است که به رغم رشد صنعت گردشگری، چرا تغییری در کیفیت زندگی ساکنان این ولایت دیده نمی‌شود؟

بامیان در کنار اینکه شهری با جاذبه‌ها و شگفتی‌های فراوان است، زیستگاه مردمان فقیر و خانواده‌های نیازمند نیز است. رقم روزافزون گردشگران داخلی و خارجی و عواید قابل توجهی که از این طریق به دست می‌آید، متأسفانه تأثیر چندانی در بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی مردم بامیان نداشته است. حکومت مرکزی که مدام از انکشاف متوازن سخن



د افغانستان اسلامي جمهوریت
د سیمه ییزو اورگانونو خپلواکه اداره
دشاروالیو معینیت
ولسی ترون پروگرام

Islamic Republic of Afghanistan
Independent Directorate of Local Governance
Deputy Ministry of Municipalities
Citizen's Charter National Priority Program
Procurement Management Unit



اعلان دعوت به داوطلبی

عنوان پروژه: پروژه خریداری تونر (رنگ پرنتر) برای دفتار ولایتی برنامه ملی میثاق شهروندی
شماره دعوت به داوطلبی: IDGL/DMM/CCNP/RFB/IOC.No-07-2021
برنامه ملی میثاق شهروندی معینیت شاروالی ها اداره مستقل ارگان های محلی از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت می نماید، تا در پروسه داوطلبی خریداری تونر (رنگ پرنتر) برای دفتار ولایتی برنامه ملی میثاق شهروندی اشتراک نموده وکاپی شرطنامه مربوط را به طور سافت از برنامه ملی میثاق شهروندی شاروالی ها و یا از طریق ایمیل آدرس ذیل و هم چنان از سایت تدارکات ملی و اکبر به دست آورده، آفر های خویش را طور سر بسته از تاریخ نشر اعلان الی ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر مورخ ۱۶ سرطان ۱۴۰۰ ارائه نمایند.
تضمین آفر به شکل تضمین بانکی مبلغ ۲۰۰،۰۰۰ دو صد هزار افغانی و جلسه آفر گشایی به ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر ۱۶ سرطان ۱۴۰۰ در سالون کنفرانس برنامه ملی میثاق شهروندی/ و اشتغالزائی معینیت شاروالی ها اداره مستقل ارگان های محلی تدویر میگردد.
نوت: (۱): پول نقد به عنوان تضمین آفر پذیرفته نمی شود.
ایمیل آدرس: a.wardak@ccnpp.org, t.safi@ccnpp.org
n.wahedi@ccnpp.org procurement.idlg@ccnpp.org
شماره تیلیفون: ۰۲۰۲۲۱۴۰۱۲



د افغانستان اسلامي جمهوریت
د سیمه ییزو اورگانونو خپلواکه اداره
دشاروالیو معینیت
ولسی ترون پروگرام

Islamic Republic of Afghanistan
Independent Directorate of Local Governance
Deputy Ministry of Municipalities
Citizen's Charter National Priority Program
Procurement Management Unit

اعلان دعوت به داوطلبی

عنوان پروژه: پروژه خریداری قرطاسیه دفتر برای برنامه اشتغالزائی معینیت شاروالی ها
شماره دعوت به داوطلبی: IDLG/DMM/EZ-KAR/NCB/IOC.No-4.2021
برنامه اشتغالزائی معینیت شاروالی ها اداره مستقل ارگان های محلی از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت می نماید، تا در پروسه داوطلبی خریداری قرطاسیه دفتر برای برنامه اشتغالزائی اشتراک نموده وکاپی شرطنامه مربوط را به طور سافت از برنامه ملی میثاق شهروندی معینیت شاروالی ها و یا از طریق ایمیل آدرس ذیل و هم چنان از سایت تدارکات ملی و اکبر به دست آورده، آفر های خویش را طور سر بسته از تاریخ نشر اعلان الی ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر مورخ ۱۳ سرطان ۱۴۰۰ ارائه نمایند.
تضمین آفر به شکل تضمین بانکی مبلغ ۴۰،۰۰۰ چهل هزار افغانی و جلسه آفر گشایی به ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر ۱۳ سرطان ۱۴۰۰ در سالون کنفرانس برنامه ملی میثاق شهروندی/ و اشتغالزائی معینیت شاروالی ها اداره مستقل ارگان های محلی تدویر میگردد.
نوت: (۱): پول نقد به عنوان تضمین آفر پذیرفته نمیشود.
ایمیل آدرس: a.wardak@ccnpp.org, t.safi@ccnpp.org
n.wahedi@ccnpp.org procurement.idlg@ccnpp.org
شماره تیلیفون: ۰۲۰۲۲۱۴۰۱۲

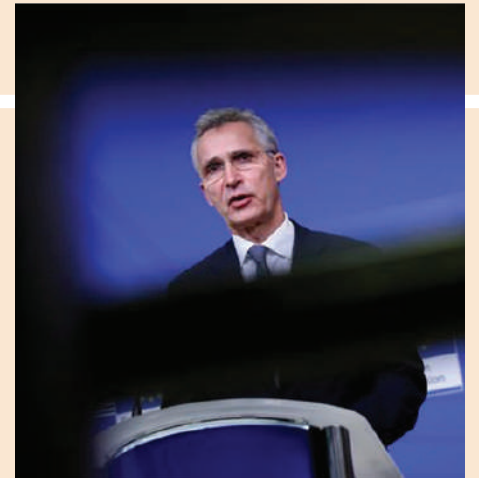
دبیر بخش ویدیو: محمدنصیر کاوشگر
خبرنگاران: عبدالاحمد حسینی، محمدحسین نیک‌خواه، خلیل رسولی، شکبیا سعیدی، الیاس طاهری، احمدشاه شاداب، حفیظ علی خیل، توفان عمری، شایق قاسمی، بهروز خاوری
ویراستاران: علی نظری، اسحق علی احساس
صفحه آرایی: رضا مرادی
پذیرش اعلان: ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۸۷۸۷۹۹ Shaparsepehr@gmail.com
نشانی پستی: صندوق پستی ۰۲۵-۰۳۸، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان
نشانی دفتر کابل: تایمینی، کابل، افغانستان
۸ صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸ صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.



صاحب امتیاز: سنجر سهیل sanjarsohail@yahoo.com
مدیرمسول: مجیب مهرداد mujib_mehrdad@yahoo.com
سردبیر: خلیل اسیر 8am.daily@gmail.com
دبیر گزارش‌ها: حسیب بهش
دبیر بخش خبر: علی‌شاه حقمیل
دبیر بخش صلح: آسیه حمزه‌ای
دبیر رسانه‌های اجتماعی: نورعلی فرحت

Publisher:
Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com
Editor-in-Chief:
Mujib Mehrdad
mujib_mehrdad@yahoo.com
Facebook.com/8am.af
Youtube.com/Hashtesubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.af_official
www.8am.af

استولت‌نبرگ مسکو را به حضور در نشست شورای روسیه - ناتو دعوت کرد



ینس استولت‌نبرگ، دبیرکل ناتو با توجه به تنش شدید حاکم بر مناسبات میان این سازمان و روسیه، مسکو را به حضور در نشست شورای مشترک روسیه - ناتو دعوت کرد. به باور او هر دو طرف موضوعات زیادی برای بحث دارند. به گزارش دویچه وله، ینس استولت‌نبرگ، دبیرکل ناتو با توجه به تنش حاکم، مقامات روسیه را دعوت به گفت‌وگو کرد. او گفت: «من می‌خواهم بار دیگر از روسیه برای شرکت در نشست شورای ناتو - روسیه دعوت کنم.» او افزود: «ما موضوعات زیادی برای بحث و گفت‌وگو داریم که بیانگر منافع مشترک ناتو و روسیه است.» به گفته استولت‌نبرگ، پیمان ناتو پیشنهاد برگزاری نشست

جدیدی را بیش از یک‌سال پیش مطرح کرد؛ اما واکنشی از سوی مسکو دریافت نکرد. او افزود: «توپ اکنون در زمین روسیه است.» دبیرکل پیمان ائتلاف شمالی هم‌چنین تصریح کرد که روابط بین ناتو و روسیه در پایین‌ترین سطح خود از زمان پایان جنگ سرد به این سو است. او در این رابطه متذکر شد: «گفت‌وگو بهترین راه برای رفع تنش‌ها است و شورای ناتو - روسیه چارچوبی مناسب برای انجام گفت‌وگو است.» استولت‌نبرگ هم‌چنین گفت که شورای ناتو - روسیه اکنون ۱۹ ماه است که نشستی نداشته است. از دید او، مسائلی چون «اطلاعات‌رسانی در مورد مانورهای در پیش رو برای

جلوگیری از سوء تفاهم» می‌تواند از موضوعات محوری این گفت‌وگوها باشد. از دید او موضوع دیگر ایجاد شفافیت کافی درباره فعالیت‌های نظامی دو طرف با هدف اجتناب از رویدادهای غیرعمدی در دریا و هوا است. شورای ناتو - روسیه در سال ۲۰۰۲ بنیان‌گذاری شد تا روسیه بیش‌تر در جریان فعالیت‌های نظامی ناتو قرار گیرد و هم‌چنین اعتماد لازم میان طرفین به وجود آید. از جون ۲۰۱۴ تا اپریل ۲۰۱۶ این شورا به خاطر درگیری و بحران اوکراین فعالیت نداشت و از آن زمان تاکنون نیز به صورت نامنظم تشکیل جلسه داده است.

در تصادم قطار در پاکستان دست کم ۳۰ تن کشته شدند

قطاری که از کراچی به سمت راولپنڈی در حرکت بود، باعث مرگ ۷۵ نفر شد. شبکه راه‌آهن پاکستان بیش از ۱۰۰ سال پیش و در زمانی که این کشور مستعمره انگلستان بود، ساخته شده و قسمت اعظم آن هم نوسازی نشده است. علاوه بر حادثی که به دلیل فرسوده‌گی قطارها یا ریل‌ها به وجود می‌آید، حملات تروریستی گروه‌های اسلام‌گرا یا جدایی طلب نیز بخش دیگری از سوانح قطار در پاکستان را رقم می‌زند.

حبس شده‌اند. عمران خان، نخست‌وزیر پاکستان گفته از این خبر شوکه شده است. او دستور بررسی فوری این حادثه و نیز تحقیق درباره امنیت خطوط آهن را صادر کرده است. وزیر اطلاعات پاکستان نیز گفته که هنوز مشخص نیست که این حادثه یک رویداد تروریستی بوده یا نقص فنی و یا خطای انسانی. حوادث قطار در پاکستان زیاد اتفاق می‌افتد. در اکتوبر ۲۰۱۹ آتش‌سوزی در

به گزارش دویچه وله فارسی، در اثر برخورد یک قطار مسافری در پاکستان با قطاری که از روه‌رو در حرکت بود، حداقل ۳۰ نفر کشته شدند. وزیر اطلاعات این کشور گفته است که مشخص نیست علت این حادثه حمله تروریستی بوده یا نقص فنی. فله‌هایی که توسط گوشی‌های موبایل گرفته شده، تلی از آهن و فلز و نیز واگن‌های سرنگون شده را نشان می‌دهد. تعداد زیادی از مسافران نیز در واگن‌ها

خورشید این هفته به شکل «حلقه آتشین» درمی‌آید



صبح پنج‌شنبه، ۱۰ جون این نوع خورشیدگرفته‌گی با طلوع آفتاب در اونتاریو، کانادا شروع می‌شود و در گرینلند شمالی به اوج خود می‌رسد و در نهایت در شمال شرقی سیبری به پایان خواهد رسید.

مسیر خورشیدگرفته‌گی در مناطقی از کانادا، گرینلند، اروپای شمالی و شمال آسیا تا حدی قابل مشاهده خواهد بود. مرحله حلقه آتشین تنها ۳ دقیقه و ۵۱ ثانیه به طول می‌انجامد. ناسا می‌گوید که در واشنگتن دی‌سی، ماه حدود ۸۰ درصد سمت چپ خورشید را پنهان می‌کند. استفاده از عینک‌های مخصوص برای محافظت از چشم هنگام مشاهده این پدیده آسمانی ضروری است. نگاه مستقیم به خورشید خطرناک است و می‌تواند به چشم شما آسیب برساند. این خورشیدگرفته‌گی یکی از دو کسوف در سال ۲۰۲۱ است. خورشیدگرفته‌گی کامل بعدی در ۴ دسامبر قابل مشاهده خواهد بود.

از آن‌جا که ماه در این شرایط کوچک‌تر به نظر می‌رسد، نمی‌تواند خورشید را به طور کامل پنهان کند و آنچه را که «حلقه آتشین» یا «حلقه نور» نامیده می‌شود، شکل می‌دهد. ناسا می‌گوید که هرچه این جفت در آسمان بالاتر می‌رود، نیم‌رخ ماه به تدریج خورشید را به سمت پایین و چپ منتقل می‌کند و اجازه می‌دهد تا بیش‌تر خورشید تا پایان کسوف پدیدار باشد.

این هفته در نخستین کسوف سال ۲۰۲۱، پدیده نادر خورشیدگرفته‌گی «حلقه آتشین» رخ می‌دهد. به گزارش یورونیوز، این پدیده در تاریخ ۱۰ جون (۲۰ جوزا) بر فراز آسمان برخی از مناطق امریکای شمالی دیده می‌شود و در نقاط دیگر جهان به صورت کسوف جزئی قابل مشاهده خواهد بود. خورشیدگرفته‌گی کامل زمانی اتفاق می‌افتد که ماه در مسیر حرکتی خود مستقیماً بین زمین و خورشید قرار گیرد و نور خورشید کاملاً پوشیده شود. اما در هنگام خورشیدگرفته‌گی حلقوی، ماه، خورشید را کاملاً نمی‌پوشاند و یک حلقه درخشان از نور خورشید قابل مشاهده است. ناسا می‌گوید که کسوف حلقوی فقط در شرایط خاص می‌تواند رخ دهد. ماه باید در مرحله نخست چرخه ماهانه خود باشد، هم‌چنین باید در مدار بیضوی خود از زمین دورتر قرار گیرد و در آسمان کوچک‌تر از آنچه معمول است، ظاهر شود.



د اداری اصلاحات او ملکی خدمت‌و خپلواک کمیسیون
کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی
Independent Administrative Reform and Civil Service Commission

بنخینه مدیرانو ارتقا

له منځنۍ کچې رهبرۍ کچې ته

پرمختگ لپاره فرصت، زده کړې او د بنخینه کارکوونکو پیاوړتیا

په دغه روزنیز پروگرام کې په شرایطو برابر بنځې دې نوملیکته وکړي

د غوښتنې ثبت میعاد:

غبرگولې ۱۵-۲۷

د رهبرۍ ورتیاوو، پروگرامونو مدیریت او پریکړو نیولو په برخه کې له منځنۍ کچې رهبرۍ کچې ته د بنخینه مدیرانو د لوړولو یو کلن پروگرام، بنځې هڅوي او دوی د ادارو مشرانو ته رهبرۍ نه د ونډې ترلاسه کولو په برخه کې چمتو کوي.

پروگرام په لږه زیاتو معلوماتو ترلاسه کولو لپاره د کمیسیون ویبپاڼې ته مراجعه وکړئ: www.iarsc.gov.af

یا له دغو شمېرو سره په اړیکه کې شی: ۰۷۹۵۲۱۲۲۶۶ / ۰۲۰۲۵۶۱۹۵۲

د ګډون کولو شرایط:

- * غوښتونکي دي د لېسانس تحصیلي درجه ولري.
- * بنخینه کارکوونکي په ۳ بست کې وي
- * ۴ بست بنخینه کارکوونکي دي حد اقل یو کلنه کاري تجربه ولري.
- * په سیمه ییزو ادارو کې چې د ۱۳ او ۲ بستونو بنخینه کارکوونکي پکې نشته، د کار زده کړې له پروگرامونو فارغ شوي بنځي هم کولای شي نوملیکته وکړي
- * هغه کارکوونکي چې دنده یې په ولايتونو کې ده، ترجیح ور کول کېږي.
- * په شرایطو برابرې غوښتونکي دي په پروگرام کې له ګډون مخکې باید په بریالۍ توګه ازموینه ترسره کړي.

هغو مېرمنو ته امتیازات چې پروگرام په بریالۍ توګه ترسره کوي:

- * دوه کاله فوټی العاده قدم
- * په لوړ رتبه بستونو کې رقابت لپاره په شرایطو برابر بدل
- * لوړ رتبه بستونو ته د ارتقا په پلان کې شاملېدل
- * د ګومارنې په پروسه کې د قانوني اسانتیاوو برابرول، هغه شمېر برخوالي چې د پروگرام بری لیک ترلاسه کوي.
- * د اړونده ادارې لخوا پروگرام ته د تلو راتلو د لګښت ور کول
- * د ملګري خدمتونو اسانتیاو لخوا په کابل کې د استوګنې د ټولو امکاناتو او اسانتیاوو برابرول

د غوښتنې چاره:

د غوښتنې د ثبت لپاره لاندې لینک کېکړئ: <https://seeforko.paperform.com/> | <https://svufnoe.paperform.com/>
د اتلاین فورمې له لېږلو مخکې، د نویو سوانحو لنډیز کاپي او د تحصیلي اسنادو کاپي ضمیمه کړئ.
د اتلاین فورمې لاندې پوښتنې ته تکمیل کړئ.

Maiwandbank میوند بانک

اعلان داوطلبی

تاریخ نشر اعلان ۱۸/۰۳/۱۴۰۰

تاریخ انقضاء ۰۲/۰۴/۱۴۰۰

میوندبانک جایداد قبالة شرعی نمبر (۲۵۴ بر ۱۵) مورخ ۱۳۹۶/۰۳/۰۱ دو دربند حویلی به مساحت دو جریب واقع گذر مخابرات شهر جدید تالقان ولایت تخار ملکیت خویش را بفروش می‌رساند.

اشخاص، موسسات دولتی و غیردولتی که خواهان خرید جایداد فوق باشند در خواست‌های خویش را به ریاست میوندبانک واقع چهارراهی طره باز خان شهر نو - کابل بسپارند.

0093 703 0000 21